

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیین نکوداشت استاد فقید دکتر مسلم بهادری در
فرهنگستان علوم پزشکی

دکتر محمدحسین عزیزی
دکتر محمد صدر
ویراستار: دکتر فرزانه کوهی

۱۶ تیر ۱۴۰۱

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	تقدیر
۱۱	سخنران ها و موضوع سخنرانی ها به اختصار
۱۳	متن سخنرانی ها
	Error! Bookmark not defined. دکتر محمدعلی محققى
۲۰	دکتر رضا ملک زاده
۲۶	دکتر داریوش فرهود
۳۰	دکتر محمدرضا زرین دست
۳۴	دکتر شهریار دبیری
۴۰	مهندس صابر اسماعیلی
۴۴	دکتر ابراهیم رزم پا
۴۶	دکتر محمدحسین عزیزی
۵۲	دکتر محمود شمسی شهرآبادی
۵۴	دکتر سیدعباس فروتن
۵۸	دکتر سیدمحسن فروتن
۶۰	پیوست ها

مقدمه

آنچه پیش رو دارید متن مکتوب **سخنرانی‌هایی** است که در آیین نکوداشت استاد فقید دکتر مسلم بهادری، عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی و از استادان تأثیرگذار رشته **آسیب شناسی ایراد شده است**. به امید آنکه در حافظه تاریخ پزشکی معاصر ایران باقی ماند.

مراسم نکوداشت استاد فقید دکتر مسلم بهادری، در روز پنجشنبه ۱۶ تیرماه سال ۱۴۰۱ در سالن مجمع عمومی فرهنگستان علوم پزشکی با حضور شماری از استادان و همکاران و دانشجویان این استاد فقید برگزار شد. این مراسم به همت دفتر مجله "آرشیو پزشکی ایران" Archives of Iranian Medicine (AIM) و با همکاری زیر گروه تاریخ پزشکی و مبانی پزشکی گروه طب سنتی وابسته به فرهنگستان علوم پزشکی برگزار شد. در این مراسم چند تن از استادان و یکی از فرزندان و داماد مرحوم دکتر مسلم بهادری سخنرانی کردند.

دکتر محمدحسین عزیزی، دبیر علمی همایش

دکتر محمد صدر، دبیر اجرایی همایش

خرداد ۱۴۰۳

تقدیر

در اینجا **برخود** لازم می‌دانیم **از زحمات** افراد زیر سپاسگزاری شود:
۱. سخنرانان ارجمند جلسه که به ایراد سخنرانی پرداخته و متن پیاده‌شده را بازبینی کردند.

۲. کسانی که در برگزاری مطلوب مراسم نقش آفرین بودند شامل:
لازم است در این جا از اولیای محترم فرهنگستان علوم پزشکی و هیئت رئیسه، به‌ویژه جناب آقای دکتر محقق که امکان برگزاری این جلسه و مجوز آن را صادر کردند، قدردانی کنیم. به‌ویژه علاقه‌مندیم که از همکاران گرامی ذیل که در برنامه‌ریزی این جلسه نقش عمده داشته‌اند؛ صمیمانه قدردانی کنیم. سرکار خانم دکتر مریم خیام‌زاده، عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم پزشکی، جناب آقای دکتر امیرحسین جمشیدی، رئیس محترم زیرگروه مبانی تاریخ پزشکی، سرکار خانم سحر دلداده مقدم، کارشناس محترم گروه حکمت، طب سنتی و طب دوران تمدن اسلام و ایران به جهت زحمات فراوان برای هماهنگی‌های قبل و بعد مراسم، سرکار خانم دکتر شکوفه برزآبادی، سرکار خانم سعیده ریاضی و جناب آقای بهرام سلیمانی همکاران دفتر مجله AIM که به ما کمک کردند. سرکار خانم مهنازشهبازی، کارشناس محترم گروه علوم پایه که در برگزاری این گردهمایی و بازبینی متن سخنرانی‌ها نقش داشتند و سرکار خانم سیما سعیدی و جناب آقای محمد علی خداوردیان، کارشناسان محترم واحد روابط عمومی و همچنین مدیریت و کارکنان محترم بخش اداری، خدماتی و پشتیبانی فرهنگستان علوم پزشکی که به برگزاری هرچه بهتر این مراسم کمک کردند.

سخنران‌ها و موضوع سخنرانی‌ها به اختصار

استاد دکتر محمدعلی محقق: چندین ویژگی علمی و اخلاقی مرحوم دکتر بهادری را طی سالیانی که با ایشان همکار بودند، برشمردند و از نقش دکتر بهادری، در توسعه خدمات سلامت و آموزش در سطوح گسترده و در میان اقشار مختلف مردم یاد کردند.

استاد دکتر رضا ملک‌زاده: از سابقه و نقش مؤثر دکتر بهادری در تأسیس و پیشبرد اهداف مجله AIM یاد کردند و در ادامه به جایگاه کنونی مجله‌ها در **نظام** طبقه بندی مجلات پرداختند.

استاد دکتر داریوش فرهود: به چند ویژگی علمی و اخلاقی مرحوم دکتر بهادری اشاره کردند و نظم کاری و پیگیری کارهای در حال انجام از ویژگی‌های بارز ایشان برشمردند.

استاد دکتر محمدرضا زرین‌دست: با خواندن اشعاری از خاطراتی نقل و از چند ویژگی شخصیتی ایشان یاد کردند.

دکتر محمود شمسی شهرآبادی: به سوابق علمی و خاطرات خود با مرحوم دکتر بهادری پرداختند.

استاد دکتر شهریار دبیری: به خدمات مرحوم دکتر بهادری در وزارت بهداشت از جمله نقش مستقیم ایشان در تأسیس دانشکده پزشکی کرمان اشاره کردند.

دکتر محمدحسین عزیزی: از ویژگی‌های علمی دکتر بهادری طی سالیانی که در مجله AIM حضور داشتند، نام بردند. مستندسازی دقیق دکتر بهادری در فعالیت‌های علمی خود طی هفتاد سال و دقت فراوان هنگام نوشتن، داوری و نگارش مقاله‌ها را از جمله این ویژگی‌ها برشمردند.

بانو ندا بهادری، فرزند مرحوم دکتر بهادری و همسرشان **آقای مهندس صابر اسماعیلی** نیز مطالبی درباره فعالیت‌ها و ویژگی‌های فردی ایشان به‌ویژه در ماه‌ها و روزهای آخر حیات ایشان **بیان** کردند.

استاد دکتر سیدعباس فروتن خاطراتی از استاد دکتر بهادری ارائه کردند.
استاد دکتر سیدمحسن فروتن برخی ویژگی‌های روانشاد دکتر بهادری را
بر شمردند.

متن سخنرانی‌ها

دکتر محمدحسین عزیزی: آیین نکوداشت استاد فقید، دکتر مسلم بهادری را گرامی می‌داریم. از حضور ارزشمند فرزندان ایشان بانو ندا بهادری و همسرشان، آقای مهندس صابر اسماعیلی، بسیار سپاسگزار هستیم. امیدواریم این جلسه گرامیداشت، فتح بابی برای بزرگداشت سایر استادان بزرگ پزشکی ایران در **فرهنگستان علوم پزشکی** باشد.

در این **مراسم**، استادان زیر سخنانی در باب شخصیت اخلاقی و خدمات بی‌شائبه علمی استاد فقید دکتر بهادری بیان خواهند **کرد**. سخنرانان به ترتیب عبارت‌اند از: جناب آقای دکتر محقق، معاون محترم علمی فرهنگستان، جناب آقای دکتر ملک‌زاده، استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران و سردبیر محترم مجله AIM، استاد محترم **جناب آقای دکتر داریوش فرهود، عضو پیوسته و رئیس** پیشین گروه علوم پایه فرهنگستان علوم پزشکی، جناب آقای دکتر محمدرضا زرین‌دست، استاد محترم داروسازی و عضو هیئت تحریریه مجله AIM، جناب آقای دکتر شهریار دبیری، استاد محترم آسیب‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی کرمان که به صورت **برخط** صحبت خواهند فرمود و در پایان، اینجانب بخشی از زندگی استاد را به روایت شماری از تصاویری که طی سال‌های گذشته جمع‌آوری کرده‌ام، نشان خواهم داد. جناب آقای دکتر علی بهادری و سرکار خانم تینا بهادری **نیز** به صورت **برخط** در برنامه حضور خواهند داشت.

علاقه‌مندم که اشعاری از مرحوم حبیب یغمایی در وصف ارج نهادن به مقام علمی بزرگان کشور و معرفی ایشان به نسل جوان به‌عنوان عصاره کلام خود بیان کنم مرحوم یغمایی گفته است:

مملکت پیکری بود که در او	مردم باهنر به جان مانند
ملتی گر بود سپاسگزار	زوستاد کهن جوان ماند
خود مپندار پیش اهل نظر	گوهر آدمی نهان ماند
زین میان زنده ماند آن که چو رفت	نیک‌نامی‌اش در میان ماند

و به نظر اینجانب، استاد فقید دکتر بهادری که برای نسل من و نسل‌های دیگر می‌تواند مظهر و نماد امید باشد و از مصادیق این شعر مرحوم حبیب یغمایی است که: «زین میان زنده ماند آن که چو رفت / نیک‌نامی‌اش در میان ماند».

امیدوارم در آینده فرهنگستان علوم پزشکی بتواند برای بزرگداشت استادان فقید دیگری که خدمتگزار این کشور بودند، آیین‌های مشابهی برگزار کند. از جناب آقای دکتر محقق تقاضا می‌کنم بیانات خودشان را ایراد فرمایند.

شاگردپروری، از ویژگی‌های درخشان استاد بهادری بود

دکتر محمدعلی محقق: با عرض سلام و تحیت و تقدیر از تشریف‌فرمایی همه **استادان**، بزرگان، بزرگواران به این محفل باشکوه. ایام شهادت امام محمدباقر(ع) را تسلیت عرض می‌کنم و به مناسبت شأن این جلسه، صحبت را با کلام گوهرباری از آن امام بزرگوار شروع می‌کنم. امام باقر(ع) می‌فرمایند: «عَالَمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ»؛ دانشمندی که از علمش سود ببرند، از هفتاد هزار عابد بهتر است.

استاد عالیقدر راحل، **دکتر مسلم بهادری** از سرآمدان پزشکی و از دانشمندان بزرگ معاصر و از نوادر انسان‌هایی است که بر قله‌های علم و ایمان و معرفت **ایستاده و به آن دست یافته است.** در ابتدا به یکی از ابعاد مکنون زندگی و خدمات استاد اشاره **خواهم کرد** و آن تلاش‌های بدیع این بزرگوار در پایه‌گذاری شبکه سلامتی کشور از سال‌های ۱۳۵۱ به بعد و دیدگاه مترقی آن بزرگوار در باب خدمات اولیه سلامت، عدالت در سلامت و تاریخچه به‌ورزی و نقش‌های به‌ورزان در آن دوران است، البته با توجه به گسترده‌گی ابعاد خدمات، شخصیت علمی و اخلاقی این استاد بزرگوار در حد وسع وقت، به دوازده بُعد از ابعاد شخصیتی استاد اشاره می‌شود و مطمئناً مطالب این مراسم و بقیه مستندات که وجود دارد، می‌تواند منبع تألیف و تولید بزرگ‌ترین منظومه علمی و اخلاقی را برای جامعه علمی و سلامت کشور فراهم کند.

یکی از ابعاد بسیار درخشان شخصیت استاد در مقوله ارتباط بین استاد و شاگرد است. همه می‌دانیم هرچه زمان می‌گذرد، بیشتر این بحث شکوفا می‌شود. استاد در قلب دانشجویان قرار داشتند و به منزله یک چتری، حامی همه دانشجویانی بودند که به نوعی با استاد تعامل داشتند و همیشه مدافع دانشجویان بودند و شاگردپروری، سنتی سنی شاگردپروری در تمدن اسلام و ایران از ویژگی‌های ممتاز و درخشان این استاد عالیقدر است.

استاد از بانیان دانشگاه هستند. در یک دوره طولانی نزدیک به هشت دهه در کانون جوشان دانشگاه خدمت کردند. **ایشان علاوه بر بحث‌های پاتولوژی، بسیاری از امور را در دانشگاه پایه‌گذاری و در توسعه آن نقش داشتند.** سخنرانی

ایشان در سال ۱۳۴۸ در اولین کنگره فیزیولوژی و فارموکولوژی ایران در محل کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مملو از افکار متعالی و مترقی است. همچنین ایشان از پایه‌گذاران نهضت دانشجویی در دانشگاه بودند. شاید به این بُعد از شخصیت استاد کمتر توجه شده؛ ایشان از مدافعان استقلال دانشگاه است و از حافظان حریم دانشگاه بودند و خدماتی که در این عرصه انجام دادند، کم‌نظیر است؛ به‌طوریکه بین همه استادانی که از بدو تأسیس دانشگاه تهران تا امروز در این دانشگاه خدمت کردند و بعضی از آن‌ها کاملاً بی‌نظیر، ایثارگرانه، الهام‌بخش و در نوع خود بسیار متعالی است.

استاد الگوی اخلاقی‌ترین رفتار با همکاران بودند. موضوعی که گاهی در شرایط فعلی در جامعه امروز حتی به یک بحران تبدیل شده؛ اما بهترین، اخلاقی‌ترین و حرفه‌ای‌ترین الگوی رفتار با همکاران حرفه‌ای و دانشگاهی، این شخصیت بزرگوار است. ارتباطی که مشحون از احترام است و بر شالوده‌های احترام متقابل استوار و بسیار سودمند و دوستانه است و برای همکاران و هم‌تایان هم بنا به جایگاه علمی و اخلاقی و پیشکسوت‌بودن برای آن‌ها هم معلم بود. استاد فقط برای دانشجویان معلم نبود؛ بلکه استاد برای استادان هم معلمی بزرگ و سترگ بود.

یکی از ویژگی‌های بارز شخصیتی، حضور در صحنه‌های علمی، تحولات دانشگاهی و نوآوری‌های علمی در تمام ادوار بود. ایشان با روحیه عدالت‌خواهی و نورانی خود از پایه‌گذاران شبکه بزرگ بهداشتی درمانی کشور با هدف ایجاد شبکه تندرستی در کشور و تربیت به‌ورزان به عنوان حساس‌ترین موضع برنامه‌ریزی در آن مقطع زمانی بودند. در واقع هر زمان برای توسعه علمی دانشگاه و کشور اقداماتی انجام شد؛ رد و نشانی از این شخصیت را ما می‌بینیم و تا به امروز خدماتی که ایشان در گروه علوم پایه پزشکی فرهنگستان انجام دادند بصورتیکه از مدافعان و پیشگامان عرصه‌ها و رشته‌های جدید علمی و فناوری‌های جدید بودند و بسیار عجیب است که در آن لحظه‌های آخر عمرشان، به جدیت پیگیر جدیدترین

تحولات علم و فناوری بودند این روحیه بلند یک چنین استادی است که در تمام تحولات علمی و پیشرفت‌های علمی کشور تا آخرین دقایق عمرشان حضور داشتند.

استاد به صیانت از میراث فرهنگی و تاریخ پزشکی کشور بسیار پایبند بودند. و بدون تردید از فرهنگ‌سازان و تاریخ‌سازان معاصر کشورند. دست‌نوشته‌ها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های ایشان، مستندترین و معتبرترین شواهد تاریخ معاصر علمی کشور است که باید از آن بیشتر صیانت و به اطلاع نسل جوان و نسل‌های بعدی رسانده شود. ایشان سند گویا و پویای تاریخ پزشکی دانشگاهی معاصر کشور ما است. یکی از ویژگی‌های شخصیتی استاد، مقاومت در برابر ناملاپمات با تدبیر و دوراندیشی است. یعنی صرف صبروری و مقاومت کافی نیست. مقاومتی مشحون از تدبیر و اندیشه و راهیابی و برون‌رفت از مشکل، این ویژگی است که در این استاد متجلی شده است.

یکی از درخشان‌ترین انوار نورانی شخصیت علمی، اجتماعی و فرهنگی استاد، مردمی‌بودن ایشان است. خدمات آشکار و پنهانی که به مردم انجام می‌داده؛ همه افرادی که به استاد پناه می‌آوردند، مورد الطاف آن شخصیت قرار می‌گرفتند. بر اساس تمام سنجه‌ها و معیارهای مردمی‌بودن و مدافع مستضعفان و محرومان بودن، استاد علاوه بر آن که طیبی انسان‌دوست و معلمی دلسوز بوده، یک شخصیت مردم و مردم‌نواز و غمخوار محرومان و درماندگان بود. چقدر خوب است در این شرایط که مردم ما با مشکلات بزرگی مواجه هستند، این بُعد شخصیتی بیشتر تحلیل شود و بیشتر معرفی شود.

یکی از ویژگی‌های استاد که در همه زوایای زندگی‌شان، در همه مصاحبه‌هایشان متجلی است، دین‌داری ایشان بود. در نوشته‌های به یادگار مانده از ایشان آمده است: «هر کاری می‌کنید، برای خدا بکنید، برای خودتان نکنید، چون خدا جبران می‌کند و به شما پس می‌دهد و هر چه که می‌خواهید، به شما می‌دهد. من این کار را کردم؛ من هر وقت که گرفتاری دارم، فقط به خدا متوسل

می شوم و از او کمک می گیرم. خیلی به آدم کمک می کند. این را قبول داشته باشید، به شرطی که با ایمان به طرفش بروید».

استاد با وجود کهولت سن به عنوان الگویی بی بدیل و الهام بخش، برای تمام جوانان در دوران خودشان بودند و برای تربیت نسل های بعدی دغدغه بسیار عظیمی داشتند و از همه وجودشان، از نفس و نفس زندگی شان برای این استفاده می کردند.

یکی از ویژگی های استاد، اندیشه بسیار والا، فکر بسیار بلند، دوراندیشی و آینده نگری این شخصیت بوده که دیدگاه و نظریات ناب و پویا به بیان های مختلف و با ادبیات بسیار زیبا و شیوا در مناسبت های مختلف مطرح شده، نگاشته شده و این شخصیت، شخصیت اندیشمند زندگی اش را وقف این امور کرده است. استاد انسانی بسیار مهربان، دوست داشتنی، متواضع، ساده زیست و به حق مشعل دار اخلاق و معنویت بودند و از همه ناخالص ها پاک بود، از همه آلاش ها میرا بود؛ بسان گوهری ناب و خالص همواره بر تارک دانشگاه و در آسمان سلامت و در آسمان ملت بزرگ ایران اسلامی خواهد درخشید و حسن ختام را باز با عبارتی از حدیثی از امام باقر(ع) که به نظر آن استاد آینه تمام نمای این گفته معصوم(ع) است، به انتها می رسانیم. می فرماید «تزين الله عز وجل بالصدق فی الأعمال»؛ با راست کرداری خود را برای خداوند بیارای. روحشان شاد و یاد و خاطرشان گرامی باد.

دکتر عزیزی: سخنران بعدی جناب آقای دکتر ملک زاده هستند. از ایشان در خواست می کنم که سخنان خود را بفرمایند.

مردی خستگی ناپذیر به وسعت علم

دکتر ملک‌زاده: با تشکر از حضور عزیزان. مطالب مهمی را جناب دکتر محقق فرمودند؛ من **تنها** بخشی از فعالیت‌هایی را که خودم در این سال‌ها در کنار استاد دکتر بهادری، شاهد بودم خدمت شما عرض می‌کنم. یاد ایشان ان‌شاءالله برای همیشه در ذهن‌های ما و الگوی زندگی ما باشد. در بدو تاسیس فرهنگستان علوم پزشکی، در سال ۱۳۶۹ استاد دکتر بهادری یکی از استوانه‌های این فرهنگستان بودند و برای این که ما در تاسیس فرهنگستان تلاش و کوشش کنیم و خود ایشان با مسئولیت گروه علوم پایه، بخش اصلی از فعالیت‌ها در فرهنگستان را انجام دادند. متأسفانه ما علاوه بر ایشان، خیلی از عزیزان دیگری را که در فرهنگستان بودند، طی این سال‌ها از دست دادیم. من آرزو می‌کنم که ان‌شاءالله روح همه این عزیزان شاد باشد و خدماتی که همه آن‌ها به ما و به فرهنگستان و به کشور و به سلامت کردند، در یاد و خاطره‌های ما باقی بماند.

سوابق علمی و اجرایی استاد بهادری را وقتی **مرور** می‌کنیم، **بسیار پر بار** است. کمتر کسی است که در تمام طول زندگی‌اش یک گوشه‌ای از مسائل مربوط به سلامت و دانشگاه و در این اواخر هم فرهنگستان را برعهده داشته باشد. **علاوه بر** سوابق درخشان استاد، بایستی نگاهی به دوره بازنشستگی ایشان بیاندازیم. دکتر بهادری باوجود اینکه بازنشسته شده بودند، فعالیت‌های بسیاری انجام می‌دادند مسئولیت‌های مختلفی داشتند. به‌صورتیکه حتی از اعضای هیئت علمی شاغل چند

برابر بیشتر کار می‌کردند و تمام لحظات عمر و زندگی‌شان به نوعی برای پیشرفت علمی در کشور به کار برده می‌شد.

در دنیای حاضر طول عمر انسان‌ها در مقایسه با گذشته طی قرن‌ها افزایش یافته است. از اینرو در بسیاری از کشورها ترویج سلامت در سالمندی و استفاده بهینه از خدمات افراد مسن و بازنشسته مورد توجه قرار گرفته است؛ با این وجود هنوز در برخی از کشورها از جمله در ایران مورد توجه نبوده است. شاید علت این امر این است که ما فکر می‌کنیم آدم‌ها در یک سنی بازنشسته می‌شوند و دیگر کاری یا انتظاری از آن‌ها نداریم.

این در حالی است که مرحوم دکتر بهادری نشان داد که انسانی بوده که اولاً به فکر سلامتی‌اش بوده است و با وجود بیماری‌های گوناگونی هم که ایشان داشت، در مراحل مختلف خوشبختانه همیشه آن روحیه سلامت در ایشان بود. این واقعا یک الگو است که ما باید از افرادی که مسن‌تر هستند، از توانایی‌هایشان استفاده کنیم، از تجربیاتشان استفاده کنیم. متأسفانه بعضی مواقع ما می‌بینیم که برخلاف این است. به عنوان مثال ما به‌تازگی در دانشگاه علوم پزشکی تهران شاهد بودیم که ۴۰-۵۰ تن از بهترین استادان ما بازنشسته شدند و این در حالی است که جایگزین کردن این افراد شاخص در برخی موارد بسیار مشکل است. بنابراین به نظر من این یک امر خیلی مهمی است.

همواره استاد یکی از بحث‌هایی را که همیشه با ما داشتند، این بود که ما باید سعی کنیم علم و دانش را در ایران پیشرفت دهیم و این تمام بحث و توجه ایشان بود و توجهی که به همه ما می‌دادند که ما باید برای نوآوری و پیشرفت‌های علمی در کشور تلاش کنیم. و به همین منظور هم خیلی مشوق بودند که ما یک جایزه در فرهنگستان علوم پزشکی برای تقدیر از برگزیدگان علوم پزشکی کشور اختصاص دهیم که بعداً مرحوم دکتر هادوی که خدا رحمتش کند، و بعضی از افراد دیگر کمک کردند، با وجود کمی بودجه برای تشویق، مرحوم دکتر هادوی، اولین کسی بود که همه دارایی و پس‌اندازش را برای تشویق و تکریم دانشمندان و پژوهشگران ایرانی و موسسه‌های موفق اختصاص داد. ایشان بودجه‌ای در اختیار فرهنگستان گذاشت که ما آن را در یک حسابی گذاشتیم.

و خوشبختانه در فرهنگستان اقدامات دیگری هم در این زمینه انجام شده و بعضی از عزیزان دیگر هم در این زمینه به میدان آمدند و واقعا این یکی از کارهایی است که ما می‌توانیم انجام دهیم و بار اول که ما این جایزه را برگزار کردیم، خدا رحمتش کند دکترهادوی در قید حیات بودند و مثلاً محققى از کردستان این جایزه را گرفت و یا یک نفر در شیراز مشمول این جایزه شد.

مطلب خیلی مهم دیگر، نقش خیلی مؤثری بود که دکتر بهادری در مجله AIM داشت. به هر حال همه آکادمی‌های بزرگ دنیا یکی از عملکردهایشان داشتن یک مجله علمی است و ما در فرهنگستان مجله AIM را با تشویق و ترغیب و فعالیت ایشان **تأسیس** کردیم. خوشبختانه این مجله امسال (۱۴۰۱) ضریب اثر گذارایش (IF) تقریباً به ۳/۱۳۸ رسید که در نوع خود در کشور بی‌نظیر بود. در حال حاضر نزدیک به ۲۵ سال است که این مجله بطور مرتب منتشر و به صورت رایگان در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

ما همیشه فکر می‌کردیم که باید از استاد بهادری تجلیل کنیم، ولی ایشان اینقدر فروتن بود و به سختی ما می‌توانستیم فرصتی پیدا کنیم که از تلاش و کوششی که ایشان در کل کشور و در جمع ما در هیئت تحریریه مجله AIM انجام می‌دهد، تجلیل کنیم.

در مجله AIM خوشبختانه ۱۲۵ مقاله علمی منتشر کردیم که فقط در مورد بزرگان پزشکی کشور و خدمات آنها است و بعدها مقاله‌ها را در یک مجموعه سه جلدی منتشر کردیم که تاریخ مدون پزشکی ایران است و همه این‌ها سرگذشت علمی افرادی است که در پیشرفت علوم پزشکی کشور نقش آفرین بودند.

ما به سبب تشویق ایشان با آقای دکتر عزیزی، چون هر دو فارغ‌التحصیل دانشگاه شیراز بودیم، به این فکر افتادیم که از استادانی که در دانشگاه شیراز داشتیم، تجلیل کنیم. ما خیلی خودمان را مدیون این استادها می‌دانستیم که در شرایطی در دانشگاه شیراز توانستند الگوی بسیار خوبی از علم و دانش را در آن

دانشگاه پایه‌گذاری و شاگردان بسیار خوبی را تربیت کنند و خوشبختانه مجموعه‌ای منتشر شد که کتابی پنج‌جلدی با عنوان جستارهایی در پیشینه دانشکده پزشکی شیراز است.

یکی از نکات خیلی جالب این بود که در زمان برگزاری جلسه هیئت تحریریه مجله AIM، هر وقت من می‌خواستم به جلسه بروم، می‌دیدم که استاد بهادری قبل از من به جلسه آمده؛ آن هم در آن سن ۸۰ سالگی. این نشان می‌دهد که واقعا انسانی که انگیزه و علاقه دارد همیشه خیلی فعال در همه جلسات شرکت می‌کند. بعضی مواقع ما برای داوری مقالات مشکل داشتیم و ایشان مشارکت خیلی جدی در دوره‌های مختلف داشت و با توجه به اهمیت داوری مقالات مجله، پیشنهادشان این بود که کسانی که برای ما مقالات را داوری می‌کنند، برای آن‌ها جایزه‌ای در نظر بگیریم و به این وسیله آنها را تشویق کنیم که این کار را هم ما در چند دوره توانستیم انجام دهیم، مجله AIM واقعا خیلی توانست پیشرفت کند و ضریب تاثیرگذاری IP بالا رفت و برای مقایسه بین همه مجلات علمی ایران مجله AIM به عنوان اولین مجله توانست بیشترین تفاوت را بین ضریب اثر گذاریش در یک سال به دست بیاورد. بخش مهمی از این تلاش واقعا مرهون علاقمندی مرحوم دکتر بهادری و عشقی که به این کار داشت بود و همه ما را تشویق می‌کرد که واقعا به این کار پردازیم. مجله AIM در سابق در چارک سوم بود، یعنی در Q3 بود، اما به تازگی وارد Q2 شده و امیدوارم که ان شاء الله در آینده این بتواند جزو مجلات Q1 در سطح جهان قرار بگیرد. متأسفانه ما تعدادی از اعضای هیئت تحریریه مان را در همین مدت از دست دادیم که چند نفر به علت کرونا بود، که یاد و خاطره آن اعضای هیئت تحریریه که از اعضای فرهنگستان هم بودند را باید زنده نگه داریم.

دکتر بهادری همیشه حرفشان این بود که معلمی دانشگاه، افتخار است و پزشک بودن یک خدمت است. ایشان می‌گفت: دو چیز من را همیشه خوشحال می‌کند، یکی اینکه نمونه‌ای از مریض بگیرم و بدخیم نباشد و دیگر شاگردهایم بود که من را خوشحال می‌کنند و سبب افتخار من هستند. در حقیقت او به این

افراد کاردانی که تربیت کرده بود و همیشه می گفت بعضی از آنها از خود من بهتر هستند، خیلی این برایش **ارزشمند است**. خلاصه پیام مهم زندگی دکتر بهادری این بود که تلاش و کوشش ایشان برای پیشرفت علمی و سربلندی ایران **بود**؛ ان شاء الله که روحشان شاد باشد و فرزندان ایشان باید واقعا به ایشان افتخار کنند و ما به عنوان شاگردان و دوستانش آرزو کنیم که **ما** هم بتوانیم راهی را که او زندگی طی کرد ادامه دهیم.

دکتر عزیزی: ضمن تشکر از آقای دکتر ملک زاده، سخنرانی بعدی توسط استاد دکتر فرهود بیان می شود.

استاد بهادری ، انسانی بسیار با ایمان و با اخلاق بودند

دکتر داریوش فرهود : بنده سخنانم را به یاد این مرد بزرگ شروع می کنم که مرا به یاد یک شعری می اندازد که می گوید:
لبخند خدا در نفس باد عیان است

آن را که عیان است چه حاجت به بیان است
من در مورد چه کسی باید صحبت کنم؟ آن ها که ایشان را می شناختند، می دانند،
آن استاد عزیز چگونه بود. روزی که مراسم یاد بود ایشان را برگزار کردم، برای
من خاطره بزرگی شد.

فرزندان عزیز آن زنده یاد، در تهران بودند و ما آن روز را در خدمت اعضا
محترم خانواده آن استاد ارجمند برگزار کردیم، روز بسیار باشکوهی بود.
رحلت ایشان **مصادف** با روز شهادت حضرت علی **علیه السلام** بود. جالب این
که اسم فرزند ایشان هم **دکتر علی بهادری است و همچنین اسم پدر استاد هم**
علی بود.

آشنایی بنده با آن استاد زنده یاد، از بدو ورود من به ایران، حدود ۵۲-۵۱ سال
پیش بود. ولی همکاری در کنار ایشان و دوستی ما، از حدود ۲۰ سال پیش در
گروه علوم پایه فرهنگستان علوم پزشکی، آغاز شد.

از صفات برجسته ایشان، **وقت شناسی و از اصول مهم اخلاقی بود**، یعنی احترام
به حقوق دیگران که همان وقت (زمان) است. ما در کنگره های خارجی، چه در
امریکا، چه در اروپا و چه در چین، لحظه ای که قرار بود کنگره شروع شود در

راس ساعت در باز می شد و رئیس جمهور وارد اجلاس می شد. البته این کار در فرهنگستان علوم پزشکی هم به خوبی رعایت می شود و جناب آقای دکتر مرندي رئیس محترم هم بسیار مقید به این اصل هستند. خصوصیت دیگر آن زنده یاد، رفتار بسیار مودبانه حضرت استاد، با همکاران بود و من خیلی این را حس می کردم و لذت می بردم. ایشان به طور یکسان، با همه، مودب بودند.

نکته بسیار شاخص آن زنده یاد، حافظه بسیار عالی بود، که حتی تا هفته های پایانی زندگانی پربرکت ایشان، حتی در دوران بستری، همه چیز را به یاد داشتند. هیچ وقت از بیماری شکایت نمی کردند. مزیت شاخص حضرت استاد، جستجوگری و مطالعه و به روز بودن در علوم پایه پزشکی بود. ایشان روزی به من گفتند که در مقاله ای خواندم که بیماری کرونا مربوط به الان نیست؛ بلکه مربوط به سال های دور بوده، لطفا این را دنبال کنید. حاصل این توصیه ایشان، یک مقاله بسیار مفصلی به زبان انگلیسی شد که در مجله "بهداشت ایران" چاپ و مقاله با نام ایشان هم مزین شد. واقعا این بیماری اولین بار حدود ۲۰ هزار سال پیش از سرزمین های شرق آسیا، (همان چین) شروع شده بود. واقعا چطور است که ایشان آخرین مطالب را مطالعه می کردند و اینقدر به روز بودند.

جالب است بدانید چند موضوعی که بعدها نیز در فرهنگستان علوم پزشکی دنبال و حتی تبدیل به یک موج جدید فکری شد، "همگرایی علوم" بنا به درخواست ایشان بود. کمالتکه هم اکنون در وزارت بهداشت و وزارت علوم، درخصوص همگرایی علوم کارهای تحقیقاتی انجام می شود. همچنین در یک نگرشی دیگر از علوم، به نام NBICS، ایشان اولین کسی بودند که با من صحبت کردند و فرمودند بیا با این NBICS کار کنیم، مسئله مهمی است و واقعا هم همینطور شد و یک سمینار بسیار آبرومندی در فرهنگستان برگزار کردیم که بسیار مورد استقبال قرار گرفت و بعدها، بعضی از دانشگاه ها حتی یک گروه علمی به نام NBICS تشکیل دادند. موارد دیگر Personalized Medicine و همچنین Precision Medicine، همیشه مورد تأیید ایشان بود.

استاد، انسانی بسیار شوخ طبع بودند. یادآور می شوم که شوخ طبعی از مشخصات دانشمندان بزرگ است. این استاد عزیز، شوخی هایی را با ظرافت به

کار می‌بردند و چقدر فضا را بیدار و شاد می‌کردند. جناب استاد، انسانی بسیار با ایمان، با اخلاق و دین دار واقعی بودند. نه تنها دانشجویانشان مرید ایشان بودند و به او افتخار می‌کردند؛ بلکه برای همکارانشان هم، معلمی به یادماندنی بودند. استاد، بسیار فعال و سختکوش و با تداوم بودند. این تداوم، موضوع بسیار مهمی است، به ویژه برای علوم پایه که نیاز به پژوهش‌های گسترده و دراز مدت دارد. ویژگی دیگر حضرت استاد که مورد احترام عمیق اینجانب بود، میهن پرستی و ایران دوستی ایشان بود. بنده هم که یک سرباز فدایی وطن هستم، مورد پسند ایشان بودم.

من روزانه به استاد بهادری فکر می‌کنم. ایشان یک انسان بی بدیلی بودند. به نظر من ایشان غیر قابل جایگزینی بودند افتخار من این بود که در زمان حیات خودشان، بنده را به عنوان قائم مقام خود به فرهنگستان علوم پزشکی معرفی کرده بودند. من در تمامی جلسات گروه، هیچگاه در جای ایشان ننشستم، صندلی ایشان را به یاد ایشان همیشه خالی نگهداشتم. واقعا روانشان شاد و یادشان گرامی و راهشان پر پوینده باد.

دکتر عزیزی: با تشکر از استاد دکتر فرهود. استاد دکتر زرین‌دست در خاطرات خود درباره حافظه درخشان دکتر بهادری صحبت خواهند کرد. خواهش می‌کنم بفرمایید.

کتاب افسانه هستی، ره آورد یک قرن زندگی

دکتر محمدرضا زرین‌دست: خدمت همکاران گرامی سلام عرض می‌کنم. آن‌چه می‌خواستم من بگویم گفته شد / گرچه کم باشد هزاران گفته‌ها. من محلی کار می‌کردم و هنوز هم می‌روم؛ گروه فارماکولوژی دانشگاه تهران که در چند قدمی دپارتمان پاتولوژی است. بد نیست که در ضمن گفته‌هایم اشاره‌ای بکنم به بعضی از بزرگان که آقای دکتر بهادری، استاد فقید مرتب دوست داشت اشاره بکنم.

اگر یادمان باشد، تا چندین سال پیش در دانشگاه تهران کسانی که بودند، وسیله نقلیه‌شان را در داخل دانشگاه می‌گذاشتند و بعد به سمت دانشکده‌هایشان می‌رفتند. من هم مثل بقیه همین کار را می‌کردم. از جلوی دانشکده علوم می‌گذشتم، یاد استاد عزیز، استاد گرام دکتر عبدالله شیبانی می‌افتادم. بالاتر می‌رفتم، از جلوی دانشکده دندانپزشکی رد می‌شدم، به یاد دکتر یزدی و استادان دیگر می‌افتادم. از پله‌های دانشگاه بالا می‌رفتم، می‌رسیدم به دپارتمان پاتولوژی که من تا آن موقع واقعا دکتر بهادری را نمی‌شناختم که احتمالا در آن دپارتمان درس گرفته بودند. یک کمی آن طرف‌تر دانشکده بهداشت بود که می‌دانیم چه خدماتی کرد. آقای دکتر مفیدی را یادم می‌آمد و می‌رفتم گروه فارماکولوژی، دو قدمی گروه پاتولوژی و دانشکده بهداشت. من تا آن موقع دکتر بهادری را با وجود این که از جلوی دپارتمان‌ش هر روز عبور می‌کردم؛ نمی‌شناختم. در گذشته محل فرهنگستان علوم پزشکی در خیابان حسین آباد بود. در آن موقع من یادم

است جلسه‌ای داشتیم، مرحوم دکتر وصال، دکتر یزدی، مرحوم دکتر بهادری و دکتر ملک‌زاده بودند. در آن جلسه عنوان شد که مجله فرهنگستان علوم پزشکی تأسیس شود و جناب آقای دکتر ملک‌زاده پیشنهاد کردند که اسم مجله را AIM بگذاریم. از آن جلسه به بعد من دکتر بهادری را شناختم. واقعا آن‌چه که گفته شد در مورد شخصیت والای ایشان صحت دارد.

بعدا که ایشان مسئول گروه علوم پایه شدند، تازه من متوجه شدم دکتر بهادری چه شخصیت ارزشمندی هستند. دو ویژگی بارز شخصیتی ایشان یکی یاد کردن از بزرگان و دومی حافظه بسیار قوی بود. همانطور که می‌دانید حافظه انسان با حس‌هایش در ارتباط است و این موضوع در اواخر عمرشان مقداری رو به افول رفته بود اما خیلی تلاش فعالیت می‌کردند تا از حس‌های خودشان استفاده کنند. در مورد حافظه طولانی‌مدت ایشان همانطور که می‌دانید از زمان بچگی معمولا ارتباط نوروئی به ترتیب رشد می‌کند، تا یک مدتی، تا جوانی کم‌کم و به مرور پایین می‌آید. با این وجود در ایشان پایین نیامده بود. در مورد حافظه مسائلی است که حافظه را خراب می‌کند، از جمله مصرف داروها، از آن جمله ژنتیک آدم که در همه چیز دخالت دارد. و خیلی چیزهای دیگر، تمرین‌نداشتن. اما چیزهایی هم هست که حافظه را رشد می‌دهد و ایشان از آن استفاده می‌کرد. ممکن است ورزش فیزیکی، ورزش بدنی استفاده نکند که خیلی در حافظه مهم است، ولی تمرین، نوشتن و یادگیری، مطالعه و ورزش مغزی بهترین وسیله‌ای است که حافظه را نگه می‌دارد و ایشان مرتب از این حافظه استفاده می‌کردند.

فکر می‌کنم فعالیت دیگری که ایشان انجام می‌دادند؛ یادداشت‌برداری در منزل بود؛ کتاب افسانه‌هستی، ره آورد یک قرن زندگی و حاصل خاطرات ایشان از بدو تحصیل بوده که نشان دهنده این است که ایشان زحمت زیادی در یادداشت کردن و نگهداری این مسائل کشیدند. در خاتمه باید از شعری که آقای دکتر مقدسی به من رسانده که نمی‌دانم، احتمالا خود ایشان این شعر را گفتند یا نه، این شعر را خدمت شما می‌خوانم.

از پيله درآمدم چو پروانه شدم من سرگشته عشق گل و گلخانه شدم من

از باده عطر خوش گل‌ها چو کشیدم	بیگانه ز خود واله و مستانه شدم من
اسرار هر آن گل که بر آن جای گرفتم	بوییدم و روییدم و فرزانه شدم من
دل تشنه و گل چشمه و اسرار کرشمه	پروانه به دم عاشق و دیوانه شدم من
شب‌ها به کمین سحر و صید دو صد گل	دلسوخته جان دادم و جانانه شدم من
هر آینه برد ز پی ساحر هستی	از خویش رها گشتم و افسانه شدم من

دکتر عزیزی: در این بخش از مراسم سخنان دکتر شهریار دبیری که ضبط شده پخش خواهد شد.

دکتر بهادری پدر معنوی پزشکی ایران بودند

دکتر شهریار دبیری: به یاد پدر معنوی پزشکی و پاتولوژی ایران، استاد دکتر مسلم بهادری، شروع می‌کنم.

سحر بلبل حکایت با صبا کرد که عشق روی گل با ما چه‌ها کرد
از رنگ رُخم، خون در دل افتاد وز آن گلشن، به خارم مبتلا کرد
غلام همت آن نازنینم که کار خیر بی روی و ریا کرد
من این افتخار را داشتم و دارم که در محضر استاد عزیز و بزرگوار سالیان سال
پای بر رکاب و در خدمت این مرد بزرگوار بوده‌ام و هزاران هزار نکته‌های
ارزشمند در زندگی شخصی، اجتماعی، علمی و پژوهشی از ایشان ذخیره کرده‌ام
که به صورت حکاکی در وجودم نقش گرفته و همیشه سعی می‌کنم آن‌ها را به
نحو احسن در جامعه پزشکی به یاران پزشک و همکاران پیراپزشک ارائه دهم.

قرار بر این است که خدمات علمی و پژوهشی ایشان در رشته آسیب‌شناسی و
پزشکی و یادگاران ماندگار ایشان را بگوییم، که دریایی از خدمات ماندگار، پویا
و مانا است. با همکاری انجمن آسیب‌شناسی ایران که ایشان بنیانگذار آن بوده‌اند،
گزیده‌های مطالب همکاران عزیز را که در مجله یادبود شادروان استاد دکتر
بهادری به‌عنوان سند گرد هم آمده است را به اختصار تقدیمتان می‌کنم که این
سند کوچکی از خدمات ارزشمند ایشان به جامعه پزشکی و توده‌های مردم است.
استاد دکتر مسلم بهادری، در سال ۱۳۰۵ در یکی از قریه‌های تنکابن در استان
مازندران، به دنیا آمدند و در سال ۱۳۱۵ به همراه خواهر بزرگ و همسرشان راهی

تهران شدند و در سال ۱۳۲۷ وارد دانشکده پزشکی شدند و در ۲۸ آبان سال ۱۳۳۱ در پی فعالیت‌هایی که برای مبارزات ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق بود، دستگیر و روانه زندان شدند. در سال ۱۳۳۳ از دانشکده پزشکی فارغ‌التحصیل شدند و پس از شرکت در آزمون دستیاری رشته آسیب‌شناسی در آزمایشگاه مرکزی آسیب‌شناسی دانشگاه تهران مشغول به کار شدند و تخصص آسیب‌شناسی را در سال ۱۳۳۶ دریافت کردند. دکتر بهادری سپس در آزمون بورس شورای فرهنگی بریتانیا قبول شدند و مدت ۱۸ ماه هم در شهر کاردیف ولز و لندن دوره فوق تخصص پاتولوژی قلب و ریه را گذراندند و سپس به عضویت رسمی انجمن پاتولوژی انگلستان درآمدند. ایشان در سال ۱۳۳۹ به کشور برگشتند و در دانشگاه تهران مشغول به فعالیت شدند. در سال ۱۳۴۷ به مقام استادی رسیدند و ۳۰ سال به عنوان استاد تمام وقت در آزمایشگاه مرکزی دانشگاه تهران و آزمایشگاه بیمارستان سینا به خدمت مشغول بودند. ایشان از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰ و همچنین از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۴ از طرف دانشگاه پزشکی ایالت کالیفرنیا در شهر سن دیگو به عنوان استاد مدعو پاتولوژی برای تدریس دعوت شدند. از سال ۱۳۷۰ به عنوان استاد مدعو و پاتولوژیست بیمارستان مسیح دانشوری در آنجا تدریس کردند. از سال ۱۳۷۱ هم به عنوان هیئت موسس مرکز تحقیقات بیماری‌های ریه بیمارستان مسیح دانشوری درآمدند. استاد دکتر بهادری در سال ۱۳۷۶ بازنشسته شدند، اما پس از بازنشستگی همچنان در گروه‌های آسیب‌شناسی در دانشگاه علوم پزشکی تهران فعالیت خود را ادامه دادند.

نقش استاد بهادری در شکل‌گیری و تکامل رشته پاتولوژی در کشور و تمام رشته‌های وابسته دیگر چه به صورت مستقیم و غیرمستقیم بسیار نقش کلیدی و پراهمیتی بوده است. تاریخچه فعالیت‌های ایشان نشان می‌دهد یکی از نقش‌های بسیار مهم ایشان در مورد ثبت سرطان‌ها بوده است؛ اولین بار که دکتر مصطفی حبیبی گلپایگانی، بنیان‌گذار گروه پاتولوژی و آسیب‌شناسی، مسئولیت مؤسسه سرطان را برعهده داشتند و اولین مقاله را در خصوص اهمیت و وفور سرطان توسط ایشان نگاشته شد که به مردم و پزشکان این اهمیت را نشان دهند، این نقطه عطف

باعث شد ثبت وقایع بیماری سرطان به یک الزام تبدیل شود و این موضوع تا تاریخ پنجم مهرماه ۱۳۶۱ در مجلس شورای اسلامی به صورت یک قانون درآمد که از ۱۳۶۵/۴/۱۱ توسط سازمان مبارزه با سرطان، پرسه ثبت سرطان‌ها طراحی شد و در اولین گزارش ثبت سرطان ایران بالغ بر ۱۸۴۳۵ مورد سرطان ثبت شد و سپس از سال ۱۳۸۶ برنامه ثبت سرطان در مرکز مدیریت‌های بیماری وابسته به معاونت بهداشتی بر اساس گزارش‌های پاتولوژی ثبت شد که می‌توانستند از این برنامه استفاده کنند و استاد دکتر بهادری بود که این را نهادینه کرد و در ۲۰ دانشگاه کشور تقریباً به صورت یک مجموعه ثبت سرطان کشوری تبدیل شد که یکی از نقش‌های استاد بهادری در تدوین و ساختارمندی برنامه‌های مختلف نظام سلامت بود. ایشان در برنامه پرونده‌های الکترونیک خیلی نقش مؤثری داشتند، و همچنین در سطح‌بندی خدمات و تدوین راهنماهای بالینی و شناسنامه خدمات مختلف حوزه سلامت که می‌توانیم در این‌جا اشاره کنیم.

از کارهای مهم دیگری که سرور و استاد عزیز انجام دادند که واقعا همچون یک رود خروشان که از کوه سرازیر می‌شود و می‌تواند طبیعت را زیبای‌تر دهد و به نقش فعال و امیدبخش دائمی ایشان در تمام مسائل، می‌توان اشاره کرد راه اندازی آزمایشگاه آسیب‌شناسی در دانشکده پزشکی و بیمارستان‌هایی که فاقد آزمایشگاه بودند در سال ۱۳۴۷ بود. ایشان علاوه بر مناصب و موقعیت‌های علمی دیگری که همراه با تقویت رشته آسیب‌شناسی داشتند، فعالیت‌های دیگر، مناصب اداری و خدماتی زیادی داشتند، سرپرست کتابخانه و مسئول انتشارات دانشکده پزشکی تهران بودند، معاون آموزشی دانشکده پزشکی، رئیس سازمان سنجش آموزش پزشکی و معاون وزیر علوم و آموزش عالی در زمان آقای دکتر قاسم معتمدی، عضو هیئت ممیزه آموزش پزشکی کشور، عضو کمیته تخصصی برای پژوهش‌های علمی، عضو کمیته ملی کنترل سرطان، عضو کمیته ملی مبارزه با دخانیات، رئیس دفتر دانش‌آموختگان دانشگاه علوم پزشکی، رئیس گروه علوم

بنیادین پایه فرهنگستان علوم پزشکی و از طرف دیگر ایشان استاد ممتاز دانشگاه علوم پزشکی تهران بودند.

استاد بهادری در تشکیل گروه‌های پاتولوژی در دانشگاه‌های کشور نقش بسیار مهم و برجسته‌ای داشتند که اکنون تعداد بسیاری پاتولوژیست در سطح کشور تربیت و همچنین در تمام دانشگاه‌های مختلف، گروه‌های پاتولوژی را فعال کردند که چه در قسمت بالینی و چه در قسمت پاتولوژی بالینی و جراحی همه دانشگاه‌ها بسیار قوی هستند و این به خاطر تشویق‌ها و همت عالی ایشان در گسترش آسیب‌شناسی و آن که شخصیت واقعی آسیب‌شناسی را جلوه دهند، بسیار مؤثر بودند.

از کارهای مهم دیگر استاد نقش مهمشان در سایر امور بهداشتی کشوری بود؛ ایشان عضو شورای تعیین قطب‌های علمی پژوهش وزارت بهداشت بودند، عضو شورای عالی اخلاق پزشکی وزارت بهداشت بودند، عضو شورای سیاست‌گذاری دوره‌های تخصصی تکمیلی وزارت بهداشت و عضو هیئت تحریریه چندین مجله علمی مهم مثل آرشیو پزشکی ایران (AIM Archives of Iranian Medicine) و چند مجله خارجی بودند و نهایتاً دبیر کمیته سیاست‌گذاری رشته آسیب‌شناسی وزارت بهداشت بودند.

استاد بهادری نقش بسیار مهم دیگری هم که داشتند در تشکیل و تکوین انجمن پاتولوژی ایران بود و بعد از آن نیز ریاست انجمن آسیب‌شناسی برعهده ایشان بود. برگزاری همایش‌های سالیانه آسیب‌شناسی توسط ایشان و با پیگیری‌های ایشان راه‌اندازی شد و از سال ۱۳۹۱ هم مقرر شد که یک جشنواره‌هایی به نام دو استاد بزرگوار، استادان دکتر بهادری، دکتر پرویز دبیری برگزار شود و هر ساله برگزیدگان رشته آسیب‌شناسی و طب آزمایشگاهی معرفی و جایزه‌ای تقدیم شود. اگرچه دکتر بهادری با نام‌گذاری جشنواره با نام خودشان مخالف بودند، اما طی ۹ دوره‌ای که جشنواره برگزار شد، عضو بسیار فعالی بودند که در تمام جلسات شرکت می‌کردند و در انتخاب مقالات و محققین ارزشمند که این جایزه نصیبشان می‌شد، نقش بسیار مؤثری را داشتند.

از طرف دیگر نقش بزرگ ایشان در راه‌اندازی مجله انجمن پاتولوژی و آسیب‌شناسی هم بسیار مؤثر بود و تاکید داشتند این مجله را چون بیشتر نقش بین‌المللی دارد، بهتر است به زبان انگلیسی چاپ شود که جزو موارد ارزشمندی است که در سطح بین‌المللی مطرح است.

از خصوصیات بزرگی که استاد داشتند و در کتاب یادواره ایشان از آن یاد شده بدین شرح بوده است؛ ایشان برنده بورس علمی یکساله از انگلستان بودند، برنده جایزه ملی بهترین کتاب پزشکی از آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی، نشان درجه اول علمی ریاست جمهوری از حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی و نشان دانشگاه علوم پزشکی تهران به‌عنوان شصتمین سال خدمات آموزشی و پژوهشی دارند. نام‌گذاری اتاق کار استاد دکتر بهادری در بخش پاتولوژی بیمارستان سینا به نام ایشان، نام‌گذاری کلاس درس بیمارستان مسیح دانشوری به نام استاد مسلم بهادری، نام‌گذاری قسمتی از کتابخانه مرکزی دانشکده پزشکی تهران به نام استاد دکتر بهادری؛ این‌ها را جزو افتخارات این مرد بزرگ را می‌توانیم نام ببریم. از طرفی ایشان در انجمن آسیب‌شناسی ایران، انجمن بین‌المللی آسیب‌شناسان جهان، انجمن حمایت از ایرانیان مسلول، و انجمن مبارزه با دخانیات عضو بودند و با مجلات بسیاری همکاری مستمر داشتند؛ چه به عنوان عضو هیئت تحریریه و یا داور از جمله مجله دانشکده پزشکی تهران، طب عمومی جراحی ایران، نظام پزشکی ایران، بیماری‌های گرمسیری و با چندین مجله دیگر. ایشان مقالات فراوانی به زبان فارسی و انگلیسی چاپ کردند که در چند مقاله اخیر قبل از فوتشان که راجع به نقش ویروس‌ها و هستک مقاله‌ای را نوشتند که در مجلات معتبر چاپ شده است. ایشان بیش از ۱۵۰ مقاله را مرور کردند در سن ۹۵ سالگی آن‌ها را به‌عنوان رفرنس در این مقاله از آن استفاده کردند که واقعا مقالات شاهکار ایشان است.

در خاتمه نقش مهم استاد بهادری در گسترش علم و پژوهش، نه تنها رشته پاتولوژی؛ بلکه تمام رشته‌های پزشکی با یک مثال عینی که در جریان آن بودم؛

بیان می‌کنم. ایشان در سال ۱۳۵۶ به همراه استاد دکتر فرخ سعیدی زمانی که معاونان آقای دکتر قاسم معتمدی وزیر وقت علوم بودند، مجوز تاسیس دانشکده پزشکی را به شادروان مهندس افضل‌پور و همسرشان سرکار خانم فاخره صبا که قصد داشتند یک دانشگاه در استان کرمان تاسیس کنند می‌دهند که واقعاً این مجوزی که داده شد و استاد بهادری هم در چندین نوبت برای کنگره‌هایی که در کرمان به یاد مهندس افضل‌پور برگزار می‌شد به آن اشاره کردند، کاملاً نقش حیاتی ایشان و تصویرش در شورای عالی گسترش آن زمان بوده که چطور توانستند این دانشکده‌ای که از سال ۱۳۵۶ از یک ساختمان کوچکی در نوریه کرمان بود، تبدیل کردند به یک مجتمع‌های بزرگ علمی که الان جزو ده دانشگاه از بهترین دانشگاه‌های ایران است و در تمام رشته‌های تخصصی را می‌توانند پزشک تربیت کنند که یاد این بزرگواران، استاد دکتر مسلم بهادری، مهندس افضل‌پور و سرکار خانم فاخره صبا که چنین انقلاب فرهنگی و علمی بزرگی در این استان جنوب شرق ایران ایجاد کردند، همیشه زنده و پاینده است. متشکرم.

دکتر عزیزی: از جناب آقای دکتر دبیری بسیار سپاسگزارم. از جناب آقای مهندس صابر اسماعیلی، داماد استاد، خواهش می‌کنم سخنان خود را ایراد بفرمایند.

دکتر بهادری در قلب و روح ما جای دارد

مهندس صابر اسماعیلی، داماد استاد: سلام خدمت همه عزیزان، همه اساتید. من شاگرد کوچکی هستم که در محضر استادان و عرض ارادت و تشکر می‌کنم از این مجلسی که ما را هم دعوت کردید و به بنده امر فرموده شده که در مورد دکتر بهادری صحبت کنم. در مورد آدم‌های بزرگ صحبت کردن کار راحتی نیست، به خصوص در جمع بزرگان.

چیزی که من خاطرم می‌آید و از سال‌هایی که با ایشان آشنایی داشتم، ایشان دو خصیصه خیلی بزرگ داشتند. در هر جایی، یعنی هیچ فرقی نمی‌کرد کجا باشند؛ این خصیصه اول. همیشه کارشان این بود (چه در سلامتی چه در بستر بیماری). عشق به کار، از اولین خصایص در هر لحظه ایشان بود. فقط کافی بود شما در بدترین شرایط یک سوالی از ایشان پرسید. تمام حال و هوا، تمام دردها، تمام بیماری‌ها و خستگی‌ها، همه می‌رفت کنار و فقط و فقط عشق به کار بود که ایشان را سر پا نگه داشته بود. تحقیق، کار، همه زندگی‌شان تماماً بر این اساس چیده شده بود. از صبح زود که بیدار می‌شدند، نمازشان را **اول وقت** می‌خواندند، صبحانه‌شان را خودشان میل می‌کردند، تمام کارهایشان سر ساعت، سر تایم خودشان، همه را مرتب آماده کرده بودند از قبل. من چند تا فایل در هفته گذشته که از دست‌نوشته‌های ایشان پیدا کردم و بسیار برایم عجیب بود. در سال ۱۳۹۰، در یک برنامه کاری نوشته شده؛ ۶۸ کار تخصیص داده شده، فقط و فقط کاری که از قبل برنامه‌ریزی شده، برای ۴۵ روز، ایشان برنامه داشتند. غیر از کار

آزمایشگاه، غیر از تلفن‌ها، غیر از تماس‌های دوستانه، ملاقات‌های شخصی، غیر از این‌ها، ۶۸ کار از قبل برنامه‌ریزی شده داشتند. با ساعت و حتی مکان آن هم مشخص کرده بودند و همه این‌ها، **زمان‌های** خودش را داشت و برای من، این قضیه بسیار عجیب بود. با این که من با ایشان زندگی می‌کردم و سال‌ها در کنار **هم در یک خانه بودیم**، ولی خیلی برایم عجیب بود که ایشان اینقدر فعالیت دارند و واقعا خستگی ناپذیر بودند.

خصیصه دوم و عشق بزرگ دوم ایشان، انسانیت و اخلاق بود. **من ندیدم هیچ وقت هیچ کسی را کوچک بشمارند**، حتی اگر یک بچه کوچک باشد، حتی اگر یک دانشجوی کوچک و کم‌سن و سال باشد. اصلاً به این چیزها اهمیت **نمی‌دادند و می‌گفتند** شخصیت آدم‌ها خیلی بالاتر از این حرف‌هاست. و اخلاق در کار، در زندگی، در گفتار و کلامشان، همیشه این بحث را داشتند که می‌گفتند آدم‌ها اولویت هستند.

دکتر بهادری در هر کاری دخالت نمی‌کرد، همیشه می‌گفت من از این کار سر در نمی‌آورم، برویم از متخصص‌اش بپرسیم؛ بینیم چه کسی این کار را بلد است، چه کسی می‌تواند این مشکل را حل کند. همیشه دنبال راه‌حل بودند. می‌گفت مشکل هست، راه‌حلش را هم پیدا کنید. من بلد نیستم، از یکی بپرسیم، بینیم چه کسی می‌داند. فلانی می‌داند؛ اگر نمی‌داند، برویم از دو نفر بپرسیم، یک تیم پیدا کنیم. و خیلی راحت برای مسائل راه‌حل می‌گذاشتند و اگر هم نمی‌توانستند، از تیمشان کمک می‌گرفتند.

دکتر بهادری زنده و در قلب، روح و خاطرات شیرین و گاهی خاطرات تلخ ما است. در خاطرات تک تک خانواده‌ها، همکاران، دوستان، **استادان** بزرگ که همیشه در خانه و جاهای مختلف **ذکر خیرشان بوده**، احترام به دیگران، شوخ‌طبعی، دستگیر بودن، حتی آدم‌هایی که نمی‌شناختند. کافی بود فقط یک نفر بگوید ما می‌خواهیم فلان کار را بکنیم. می‌گفت "من چه کار می‌توانم بکنم". **خیلی در این قضیه راحت و خیلی عجیب بود.** آدم‌هایی را که نمی‌شناخت، توصیه‌نامه می‌نوشت و می‌گفت **او** لیاقت این را دارد یاد بگیرد،

لیاقت این را دارد که یک پله بالاتر برود، بنابراین باید کمکش کرد. ذات آدم‌ها را نگاه می‌کرد، نه ظاهر آدم‌ها را.

نوشتن دفتر خاطراتشان، روزانه، هفتگی، جزو عادت‌های همیشگی و واقعا عجیبشان بود. همانطور که استاد (فکر می‌کنم جناب دکتر فرهود عزیز) فرمودند، واقعا حافظه بسیار قوی‌ای داشتند.

خرم آن کس که در این محنت‌گاه خاطری را سبب تسکین است از فریدون مشیری خیلی صحبت کردند، خیلی دوستشان داشتند. ظاهرا هم کلاسشان بودند و من با اجازه‌تان یک قطعه از دکلمه کوتاهی از ایشان را می‌خواستم به اسم «راهیان مهر» خدمتتان عرض کنم.

گوینده‌ای ظریف بشردوست پیش از این دریافته است گرچه بشر را دو دست هست، دستی برای آن که بر آرد نیاز خویش، دستی برای این که بگیرد از خلق دست. اینگونه مهرورزی و پندار نیک و عشق، جز در میان مردم ما تا به این زمان هرگز به هیچ شهر و دیاری نبوده است. اندیشه محبت و خدمت به دیگران، نقش و نگار یافته با تار و پود ماست. آیین خیرخواهی و یاری و مردمی با خون ما سرشته، روان در وجود ماست. پروردگان مکتب مهر و محبتیم، ما راهیان عشق و هواخواه خدمتیم. بانگ شعر بنی آدم اعضای یکدیگر، آوای مهر سعدیست. وزین دیار بال به عالم گشوده است، این راه و رسم مردم این ملک بوده است. هر روز بامداد که همراه آفتاب، نور و نشاط و شعر و شور و سرور و نوید است، آن دم که دست‌های تو در کار زندگی سرشار از تلاش و توان و امید است. با خویشتن بگوی دستی برای آن که برارم نیاز خویش، دستی برای آن که بگیرم ز خلق دست. ایشان واقعا پیرو مکتب بوعلی سینا بودند. حتی کراواتشان هم می‌گفت من چیزی که از بوعلی سینا دیدم، این شال گردنش بوده و می‌گفت این به اشتباه از غرب نیامده، از ایران بوده، از ایران شده، برای یک گردنبند برای مردها که پوشش دهد بدن را. از همه اساتید تشکر می‌کنم، متشکر از همه

زحماتتان، از همهٔ محبت‌هایتان؛ از طرف خودم و خانوادهٔ دکتر بهادری،
سپاسگزارم.

دکتر عزیزی: از آقای دکتر رزم‌پا خواهش می‌کنم آن شعری که سروده بودند
بخوانند.

استاد بهادری، عصاره علم و ادب

دکتر ابراهیم رزم‌پا: با سلام و تشکر از محضر استادان. مدتی که بنده در دانشگاه تهران و دانشگاه شیراز مشغول به فعالیت بودم. با استادان بزرگی چون: استاد آرمین، یلدا، شمس شریعت، پروفیسور شمس، استاد عقیلی و خیلی استادان دیگر سروکار داشتم. من فکر می‌کنم استاد بهادری، عصاره همه استادان بود. همه نکات مثبت را از همه بگیریم، جمع بود در استاد بهادری.

به یاد استاد:

چرخ گردون که روح من آزد	فخر دوران بهادری را برد
شرح اوصاف او ز حد افزون	کاردان در علوم گوناگون
عشق و ایمان زمینه کارش	مهرورزی کلام پربارش
اهل تحقیق بود و نواندیش	مبتکر بود و ایده‌هایش بیش
صاحب سبک خاص در تعلیم	کتب مرجعش چو گنج عظیم
درس او درس عشق بود و امید	جز حقیقت کسی از او نشنید
نزد او ذکر خیر حرمت داشت	نهی از غیبت و سعایت داشت
با صراحت شجاعت و تدبیر	سخنش رهگشا و خوش‌تاثیر
ذکر حق بر زبان او همه جا	مومن و معتقد به راه خدا
راستگویی اساس کارش بود	هر که حق گفت، در کنارش بود
از خرافات پرده برمی‌داشت	علم و منطق به جای آن می‌کاشت

عاشق مُلک و مردم ایران	مثبت‌اندیش بود و باایمان
به یقین کم‌نظیر و بی‌همتاست	هر جهت بنگریم در او راست
پر کشید و به راه حق آسود	او فروزان چراغ دانش بود
دیده پر اشک و قلب‌ها پر خون	از غم غیتش همه محزون
مات و مبهوت با دلی پردرد	داغ هجرش به رزم پا چون کرد
پیروی ز آن‌چه یادمان می‌داد	نیست راهی به جز ره استاد
سیره‌اش رهگشای مقصد ماست	نام استاد تا ابد برجاست
خاطرش جاودان و روحش شاد	مام گیتی به سان او کم زاد

دکتر بهادری معلمی الهام بخش بودند

دکتر محمد حسین عزیزی: اکنون می‌خواهم به روایت تصاویر، در مورد استاد دکتر بهادری صحبت کنم. سخنی هست که یک نویسنده معروف آمریکایی گفته که «معلم متوسط می‌گوید، معلم خوب توضیح می‌دهد، معلم برتر نشان می‌دهد، ولی معلم بزرگ الهام‌بخش است». به دیدگاه من، دکتر بهادری جزو معلمان الهام‌بخش بوده و این برای یک انسان خیلی موفقیت بزرگی است. دکتر بهادری انسان دقیقی بودند. حدود سال ۲۰۱۰ می‌خواستیم یک مقاله در مورد پیشینه آبله در ایران بنویسم. گفتم اگر برگه آبله‌کوبی آن دوران مربوط به زمان رضاشاه هم بود، بد نبود، دکتر گفتند اتفاقاً من برگه خودم را دارم. ایشان کاغذی آوردند که من تعجب کردم، برای این که آن کاغذ مربوط به ۸۷ سال پیش، نو و تمیز بود. برگه ثبت نام کلاس اول ابتدایی‌شان که سال ۱۳۱۵ بود را نگه داشته بود و همین‌طور رسید شهریه دبیرستان مروی که ۶۰ ریال بوده و همین‌طور عکسی که در دوره دبستان خیام در میدان توپخانه تهران گرفته بودند، پشت شهرداری، که یک عکاس خوش ذوق، ماکت هواپیمایی مقوایی درست کرده بوده که دکتر بهادری و دوستش رفتند و عکس گرفتند.

ایشان از بین برگزیدگان ۲۰۰۰ هزار نفری بوده که در آزمون سال ۱۳۲۷ دانشکده دندانپزشکی، داروسازی و پزشکی شرکت کرده و ایشان نفر بیستم شده بودند و بدین ترتیب دانشجوی پزشکی دانشگاه تهران شدند و در بخش **استادان** بزرگ حضور یافتند. در این عکس مرحوم دکتر قریب را می‌بینید که رئیس بخش کودکان بوده است. و بالاخره دکتر، در سال ۱۳۳۳ ش، موفق به دریافت درجه

دکترای عمومی از دانشگاه تهران می‌شوند و بعد به دلیل آشنایی با دکتر آرمین به بخش آسیب‌شناسی می‌پیوندند که در این عکس مشاهده می‌کنید و این استاد مدعو آمریکایی هم که دعوت کرده بودند، در این عکس دیده می‌شود.

در سال ۱۳۴۰ دکتر بهادری با شادروان دکتر ناهید پیشوا که آن موقع دستیار رشته آسیب‌شناسی بودند، ازدواج می‌کنند و ایشان نخستین بانوی پزشکی بودند که در دانشگاه تهران به درجه استادی رسیدند. متأسفانه دکتر پیشوا به دلیل بیماری کولون در سال ۱۳۷۶ درگذشتند.

دکتر بهادری خیلی به رشته پاتولوژی واقعا علاقه داشتند. همانطور که دکتر ملک‌زاده در سخنشان گفتند، ایشان می‌فرمودند وقتی می‌خواهم یک نمونه آسیب‌شناسی را زیر میکروسکوپ می‌بینم، مدام نگران این هستم که نکند بدخیم در بیاید و وقتی خوش‌خیم درمی‌آید، خیلی خوشحال می‌شوم.

دکتر بهادری بسیار زیاد به پاتولوژیست‌های بنیانگذار پاتولوژی در ایران بسیار زیاد احترام می‌گذاشتند و مجموعه مقالاتی که در خدمت ایشان در باره پیشینه پاتولوژی در ایران نوشتیم، در یک کتاب چاپ و در کنگره پاتولوژی در دانشگاه کرمان توزیع شد. دکتر حبیبی گلپایگانی، مرحوم دکتر آرمین، در دانشگاه تهران جزو اصلی‌ترین بنیانگذاران پاتولوژی در ایران بوده‌اند. دکتر بهادری در سال ۱۳۴۷ استاد شدند، و سال ۱۳۷۶ بازنشسته شدند، ولی ایشان بازنشستگی برایشان مفهوم نداشت، برای این که بعد از بازنشستگی‌شان دوباره برای خودشان کار درست می‌کردند و در جلسات شرکت و کارهای مختلف انجام می‌دادند که همه این کارها کارهای علمی بوده است.

دکتر بهادری بعد از این که پاتولوژیست شدند، فوق تخصص پاتولوژی ریه از انگلستان گرفتند. دکتر بهاری یکی از کارهای دیگرشان خدماتی بوده که به این فرهنگستان علوم پزشکی ایران کرده، اعم از شرکت در گروه علوم پایه، شرکت در مجله AIM که دکتر ملک‌زاده به تفصیل در مورد آن فرمودند. خلاصه زندگی دکتر بهادری این گونه بوده است. ایشان در گفت‌وگویی گفته بودند:

«برنامه‌ای جز خواندن، نوشتن، تدریس و یادگیری نداشتیم، حتی کارهای اداری هم که کردم، مرتبط با همین موضوعات بوده است».

نقش دکتر در تأسیس شبکه بهداشتی طی سال ۵۱ تا ۵۶ ش را نباید فراموش کرد. ایشان کتاب سه جلدی جالبی به من داده بودند؛ که این کتاب در ۱۳۵۵ منتشر شده بود. این کتاب حاوی اصلی‌ترین نظرات برجسته‌ترین **استادان** پزشکی و بهداشتی کشور درباره وضعیت پزشکی در ایران آن زمان است، یعنی این که می‌خواستند برنامه‌ریزی کنند که چه کاری باید صورت بگیرد. در مقدمه این کتاب نوشته شده که دکتر بهادری یکی از **مشاوران** اصلی پژوهش‌های بزرگی که در این زمینه انجام شده، بوده‌اند.

در مورد مجله AIM که دکتر ملک‌زاده فرمودند؛ یکی از پایه‌های اصلی از اول بنیانگذاری AIM، دکتر بهادری بوده‌اند و الان این مجله ۲۵ سال است که به سرگیری دکتر ملک‌زاده منتشر می‌شود و این برای مجله‌ای در پزشکی ایران به نظر من افتخارآمیز است. این عکس قلم زرینی بود که از طرف دفتر مجله به استاد بهادری اهدا شد. **متأسفانه** عکسی که ملاحظه می‌کنید، دکتر نیر نوری که انسانی بسیار دانشور و ایران‌دوستی بودند و استاد دکتر فرسام که یکی از **استادان** دانشور فارموکولوژی ایران، دیگر در بین ما نیستند.

عکس بعدی مرحوم دکتر یزدی و دکتر بهادری و نفر وسط، استاد دکتر فریدون علاء، بنیان‌گذار سازمان انتقال خون کشور هستند که به تشویق دکتر بهادری دکتر ملک‌زاده و از ایشان دعوت کردیم و در یکی از جلسات AIM حضور یافتند.

نودمین سال تولد دکتر بهادری هم در دفتر مجله AIM جشن گرفتیم. در این عکس در دفتر مجله می‌بینیم تعداد **از استادانی** که از اصلی‌ترین ارکان هیئت تحریریه بودند، دیگر در بین اعضای ما نیستند. در این عکس دکتر وصال دیده می‌شوند؛ حتما باید از ایشان هم ذکر خیر شود به خاطر زحمات فوق‌العاده زیادی که برای رشته رادیولوژی و اعتلای دانش پزشکی و ژورنالیزم پزشکی در ایران کشیدند. این عکس

در دفتر مجله است. این در جلسه سخنرانی دکتر پرویز دبیری است. دکتر پرویز دبیری، انسان بسیار شایسته و دانشور و بنیان‌گذار رشته پاتولوژی در دانشگاه اصفهان بودند که در آن جلسه دکتر بهادری حضور داشتند. در این تصویری که می‌بینید، دکتر شمس شریعت تربقان هم دیگر در میان ما نیستند.

این عکس کنگره کرمان و این باغ فخرآباد کرمان است که واقعا مثل نگین در کویر ایران می‌درخشد؛ قشنگ و زیباست. و این عکس فرودگاه کرمان **گرفته‌ام**. همانطوری که دکتر دبیری گفتند، دکتر بهادری به کرمان خیلی علاقه داشتند، به خاطر این که در ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ که مرحوم مهندس افضل‌پور مجوز گرفته بود، ایشان در وزارت علوم بوده و کمک کرده اند که این کار انجام بگیرد. ایشان و دکتر فرخ سعیدی دو فردی بودند که در بنیانگذاری دانشگاه کرمان نقش بسیار بسزایی داشتند.

از دکتر بهادری خیلی تجلیل شده و یکی از تجلیل‌هایی که شد، از دفتر طرف مجله بخارا، آقای علی دهباشی در موقوفات افشار، آن کانون زبان فارسی بود. دکتر همیشه حضور داشتند در جلسات مختلف. این در جشنواره رازی است. کنارشان مرحوم استاد بزرگ، دکتر یلدا را می‌بینید.

این عکسی است که در دانشگاه تهران به مناسبت بزرگداشت استاد بهادری، تمبری منتشر کرده بودند و یک کتابخانه‌ای هم به نام ایشان نامگذاری کردند. دکتر **اهل نوشتن و اهل قلم بود**. این دو دهه آخر زندگی‌شان حداقل ۲۸ مقاله فقط با ما نوشتند.

دکتر همیشه انسانی دوست داشتنی **بودند**؛ برای دکتر فریدون علاء، بنیانگذار سازمان انتقال خون نامه‌ای درباره وفات دکتر بهادری نوشته بودم، این جواب نامه است. گفتند: ایشان همیشه حضور بسیار خلاقانه، پرتلاش، وطن‌دوستانه، گرم و بانشاطی داشتند. وقتی که اوایل دهه ۶۰ میلادی به ایران برگشتم که به عنوان استادیار در بخش کار کنم (به شوخی نوشتند جعفرخان از فرنگ برگشته)، یکی از کسانی که **ما فوق** و جزو هیئت علمی بود و از من استقبال کرد، دکتر بهادری

بود. و این استقبال گرم دکتر بهادری سبب شد که من احساس کنم که به خانه برگشتم و در خانه هستم.

کتاب «افسانه هستی» آخرین کتابی است که دکتر تدوین و منتشر کردند. یکی از کسانی که علاقمند بود که ایشان خاطراتشان را بنویسند، من بودم؛ زیرا که حیف بود **خاطرات ایشان به نسل‌های بعدی نرسد**. این کتاب تنها برای پزشکان نیست؛ **بلکه** تمام دوستداران ایران می‌توانند از جنبه‌های تاریخی که در ذهن بسیار دقیق دکتر بود و نوشته شد، استفاده کنند. **این کتاب ۴۱۶ صفحه است** و تعداد زیادی عکس و سند دارد. این عکس مربوط به آخرین جشن تولدی است که در گروه علوم پایه فرهنگستان در خدمت دکتر فرهود برای مرحوم دکتر بهادری گرفته شد؛ گروه علوم پایه این کار را کرد.

و این آخرین عکسی است که در سن ۹۶ سالگی ایشان از دفتر کار دکتر گرفتم. واقعا برای من خیلی عجیب بود. همانطور که در فیلم **هم مشاهده کردید** که انسانی در سن ۹۶-۹۵ سالگی هنوز می‌نشیند و کار علمی می‌کند و برای نگارش مقاله‌ای حدود ۱۵۰ مقاله علمی را **مطالعه می‌کند** تا مقاله در مورد هستک و اثر ویروس‌ها روی هستک نوشته شود. هر بار که مقاله **را خدمتشان بردم** و گفتم این بهتر است باز نویسی شود، گفتند باشد، اشکالی ندارد، دوباره می‌خوانم و همه مقاله‌های مرتبط مرجع علمی را از صدر تا ذیلش ایشان خواندند، به خاطر این که آن مقاله را درست نوشته و چاپ شود.

سرانجام استاد دکتر بهادری روز پنج‌شنبه یکم اردیبهشت ۱۴۰۱ چشم از جهان فرو بستند و در آرمستان بهشت زهرا (س) **در قطعه نام‌آوران** به خاک سپرده شدند. این عکس مراسم گلباران مزار استاد بهادری است. به نظر بنده ماحصل زندگی دکتر بهادری در این شعر سعدی خلاصه شده است:

دو چیز حاصل عمر است نام نیک و ثواب

وزین دو گر گذری کل من علیها فان

امیدوارم که همه شما برقرار و پاینده باشید و خیلی متشکر که تشریف آوردید.

دکتر عزیزی: یکی از حاضران محترم در جلسه، جناب آقای دکتر محمود
شمسی شهرآبادی فرمودند که می‌خواهند مطلبی درباره دکتر بهادری بفرمایند.
در خدمت شما هستیم.

حافظه درخشان استاد بهادری ستودنی بود

دکتر محمود شمسی شهرآبادی: من آقای دکتر بهادری را از سال ۱۹۷۵ می‌شناختم. ایشان سرزده یک روز آزمایشگاه ما آمد، آن موقع من اولین دستگاه PCR را به ایران آورده بودم و من دکتر بهادری را نمی‌شناختم. یکدفعه آمد در آزمایشگاه و گفت شنیدم دستگاهی به اسم PCR هست. گفتم بله، من گذاشتم در چمدانم و شخصا آوردم. از سال ۱۳۷۶-۱۳۷۷ که ما به فرهنگستان علوم پزشکی آمدیم به‌طور تصادفی صندلی دکتر بهادری و من کنار هم قرار گرفت. از آن موقع احساس کردم یک دوستی عاطفی پنهانی بین ما ایجاد شد که من طی این ۲۰ سال همیشه در جلسات پیش دکتر بهادری می‌نشستم. این یک احساس عاطفی بود و من خیلی راجع به هوش، ذکاوت و به‌ویژه قدرت حافظه او در تعجب بودم. کما اینکه در مقطعی ما یک کتاب ۲۵۰ صفحه‌ای تحت عنوان «تاریخچه ویروس‌شناسی در ایران» تدوین کردیم و به دکتر بهادری به عنوان رئیس گروه دادیم. یک روز مراسم خطاهای پزشکی بود و پایین جلسه بود. من آمدم که بروم دست‌هایم را بشویم، دیدم دکتر بهادری هم آمده بود آن‌جا. یکدفعه در آن محفظه دکتر دارد می‌آید به طرف من و به‌طور خیلی شتاب‌زده من را بغل کرد و بوسید. ای داد بیداد! چی شده؟ گفت فلانی من کتاب تو را خواندم و لذت بردم از مطالبی که درباره زکریای رازی و ابوعلی سینا و تاریخچه ویروس‌شناسی قبل از اسلام و بعد از اسلام نوشته شده بود، من خیلی تحت تأثیر

تو قرار گرفتم. فکر کردم که ایشان چطوری ۲۵۰ صفحه کتاب را خط به خط خوانده و خیلی من تحت تأثیر ایشان قرار گرفتم.

یک روز و در زمان قبل از همه‌گیری کووید ۱۹ در خصوص معضلات ویروس‌ها برای بشر در گروه علوم پایه سخنرانی کردم. سه هفته بعد همه‌گیری شروع شد و ایشان به من زنگ زد و گفت فلانی عجب خوب پیش‌بینی کردی، واقعا معضلاتی شده و به همین جهت دکتر بهادری پیشگفتاری در کتاب «تاریخچه ویروس‌شناسی» نوشت و یک هفته قبل از فوت ایشان این کتاب حاضر شد و من متأسفانه نتوانستم خدمت ایشان بدهم. حتی یک روز مقاله‌ای به من در خصوص ویروس زیکا دادند و من آن را خواندم سه ماه گذشت و ما فکر کردیم ایشان دیگر فراموش کرده‌اند. در جلسه‌ای ایشان را دیدم و گفتند چی شد آن مقاله؟ من تعجب کردم از حافظه ایشان که بعد از سه ماه هنوز یادشان بود. یک مقاله‌ای قبل از فوت ایشان در مجله ارتقای سلامت نوشتیم. ایشان به من زنگ می‌زد، من در دفترشان می‌آمدم و راجع به مانند ویروس‌ها و هستک و... صحبت می‌کردیم. متأسفانه موقعی که ایشان فوت کرد، من خودم بیمارستان بستری بودم و نتوانستم در مراسم شرکت کنم، به این جهت واجب دانستم که امروز یادی از ایشان بکنم. خیلی متشکرم.

دکتر عزیزی: خیلی متشکر از بیان خاطرات خوب شما. جناب آقای دکتر سید عباس فروتن سخنان خود را به صورت **نوشته** ارسال فرمودند.

شاهکارهای پزشکی کشور در جنگ تحمیلی

دکتر سیدعباس فروتن: وقتی علوم پایه پزشکی را در سال ۱۳۵۵ در دانشگاه تهران می‌گذراندم دکتر مسلم بهادری استاد درس آسیب‌شناسی من **بودند**. دو سال پیش (۱۳۹۹) در فرهنگستان علوم پزشکی صحبتی با ایشان داشتم با این هدف که از آن کلیپی تهیه نموده و در روز دانشجو برای دانشجویان رشته‌های پزشکی در فضای مجازی ارسال کنم. در آن جلسه کتابهایم تحت عنوان «روایتی از تاریخ پزشکی دفاع مقدس» را به استاد نشان دادم تا نظر ایشان را جویا شوم. گفتند جلد اول را خوانده‌اند و من را تشویق به ادامه این مسیر نمودند. سپس تأکید کردند که مطالب این کتاب‌ها باید به زبانی ساده و برای عموم مردم نگاشته شود. این تأکید استاد **درنهایت** به نگارش کتاب *نشانی* انجامید که بیش از ۱۲۵ داستان کوتاه و ۲۵ داستان بلند را شامل می‌شود. اکنون خلاصه‌ای از سخنان ارزشمند آن جلسه را با هم خواهیم خواند:

دکتر بهادری: یکی از افتخارات ما با وجود تلخ‌بودنش دوران دفاع مقدس است. در شرایطی جنگ به ما تحمیل شد که مملکت از هم گسیخته بود و مردم ما بزرگ‌ترین اقدامی که ممکن بود را در برابر کل جهان انجام دادند. جنگ تحمیلی فقط جنگ با عراق نبود جنگ با خیلی کشورهای دیگر هم بود. چنین چیزی را در تاریخ بشر زیاد نمی‌بینیم که یک کشور با تمام جهان مواجه باشد؛ حتی کسانی که به عنوان دوست و واسطه‌گری آمده بودند بیشتر طرف صدام را می‌گرفتند. ما کارهای زیادی در جنگ انجام دادیم که یکی از بزرگ‌ترین آنها خود اقدامات پزشکی بود. تنها رشته‌ای از علوم که موظف بود در جبهه شرکت کند

رشته پزشکی بود؛ حداقل سالی یک ماه و بعضی‌ها هم تمام وقتشان را در جبهه‌ها بودند و عده‌ای هم شهید شدند. در جنگ تحمیلی بزرگترین صدمه‌ای که به ما زدند جنگ شیمیایی بود؛ از تمام کشورها مواد شیمیایی را به عراق می‌دادند. من بیش از ۶۰۰ مورد مسمومیت گاز خردل را بررسی کردم ولی باید بیشتر مقاله می‌نوشتیم.

این کتاب شما یک سند است و همه اتفاقات، آدم‌ها و زمان حوادث مشخص است و این کار بی نظیر نشان **می‌دهد** چگونه مردم عادی، آن پیرمرد یا پیرزن یا جوان ما در خانه‌اش از کشور دفاع کرده است. ولی این هنوز کم است و باید کتابخانه‌های ما از خاطرات جنگ پر باشد. برای ما مهم است که حس وطن پرستی را به فرزندانمان نشان دهیم. باید یک شاگرد بداند که در جبهه چه گذشت و مردم چگونه برای حفظ کشور جانشان را فدا کردند. شما **آسان** نگیرید که ما با وجود آنکه دور تا دور مملکت را دشمنان گرفته بودند ولی مقابله کردیم و اکنون داریم زندگی می‌کنیم.

یکی از بدترین نقاط ضعف ما همین رادیوهایی است که توسط ایرانیان خارج **از کشور مانند رادیو فردا و سایرین اداره می‌شود؛** اینها از دشمنان ما بدترند که علیه مملکت ما کار **می‌کنند**. در این فضاها باید چنین کتابی منتشر شود و این کتاب نباید فقط در کتابخانه باشد؛ بلکه **بایستی** وارد کلاس درس شده و روی میز دانش آموز برود و تک تک این خاطرات بررسی شود. ما اگر بخواهیم کاری برای کشور انجام دهیم باید مردم را با مشکلاتی که بوده و چگونه حل شده آشنا کنیم. من وقتی این کتاب را خواندم در آن بحث حماسی (تبلیغاتی) ندیدم؛ بلکه بحث‌های واقعی و مستند دیدم باید در کتابهای درسی مدارس از مطالب این کتاب استفاده شود. درست است که ما از ارزش حافظ، فردوسی و سعدی در گذشته می‌گوییم ولی از **حال حاضر** کشور، هم حرف برای گفتن داریم و باید این خاطرات را زنده کنیم فرهنگستان باید توصیه کند تا این نوشته‌ها در دبستان و دبیرستان در درس‌ها، در فکر بچه‌ها وارد شود تا متوجه شوند که مردم ما چه زحماتی را با خون دل کشیده‌اند و چه چیزهایی را در کشور ایجاد کرده‌اند. در

برنامه‌های آموزشی کشورهای غربی، درس تاریخ کشورشان وجود دارد و ما نیز باید تاریخ حال مملکت خود را وارد درس‌هایمان کنیم. بعضی از ما عادت داریم که در طول زندگی، بدی‌ها و نقاط ضعف را زیاد جلوه می‌دهیم و کارهای خوب را کمتر می‌گوییم ما باید تاریخ فعلی کشورمان و زحماتی که کشیده شده را در داخل و خارج مملکت به مردم بشناسانیم. پس از انقلاب حالتی به وجود آمد که نشان داد یک ایرانی می‌تواند روی پای خودش بایستد و با دست خالی بجنگد و موفق هم بشود که در این کتاب شرح داده شده است. درست است که بدی و گرانی داریم ولی خوبی هم داریم چرا این‌ها را نمی‌گوییم. من پس از جنگ به خوزستان رفتم و بیمارستان‌های صحرایی زیرزمینی با آن اتاق عمل‌های مجهز را دیدم که ساختن اینها یک افتخار است آن هم در وقتی که مملکت پاشیده شده بود. جراحان در دفاع مقدس کارهایی در بیمارستان‌های صحرایی انجام دادند که اکنون در یک بیمارستان شهری مجهز به زحمت انجام می‌شود. میزان تلفات ما در دفاع مقدس نسبت به جنگ جهانی دوم خیلی کمتر بود زیرا معروحان وقتی به دست طبیب **می‌رسیدند** نجات پیدا می‌کردند با آنکه ما امکانات کمی داشتیم یکی از شاهکارهای پزشکی ما که باید شرح داده شود همین است که چگونه ما تلاش کردیم تا در بدترین شرایط بهترین نتایج را به دست آوریم."

دکتر عزیزی: سخنران بعدی جناب آقای سیدمحسن فروتن هستند.

سبک زندگی دکتر بهادری، الگویی برای تمامی نسل‌هاست

دکتر سیدمحسن فروتن: من از سال ۱۳۸۹ که وارد فرهنگستان علوم پزشکی شدم، با توجه به این که استاد دکتر بهادری ریاست گروه علوم پایه را به عهده داشتند، در جلسات متعدد از جمله جلسه شورای علمی، جلسه گروه پژوهش، جلسه جشنواره علمی و جلسات دیگری که از ایشان دعوت به عمل می‌آمد، توفیق زیارت ایشان را داشتم.

نکته‌ای که برای من خیلی جالب بود و در فرهنگستان جلوه می‌کرد، این بود که **استادانی مانند** استاد دکتر مرندي، زمانی که دانشجوی پزشکی بودند شاگرد ایشان بودند و این موضوع را در بعضی از جلسات می‌دیدم که **استاد دکتر** مرندي از منظر استاد و شاگردی از جناب استاد دکتر بهادری تقدیر می‌کردند و از زمانی که در دانشگاه تهران دانشجوی ایشان بودند، خاطراتی را می‌گفتند.

نکته بارز دیگر، حضور خیلی فعال استاد دکتر بهادری در جلسات متعدد و مدیریت ایشان بر گروه علوم پایه بود؛ ایشان **به‌رغم** کبر سن، به صورت فعال و خیلی جدی در جلسات شرکت می‌کردند. جلساتی دیگری مثل گروه پژوهش، جشنواره علمی فرهنگستان، شورای علمی، هم داشتیم که هم به موقع و سر وقت در جلسات حاضر می‌شدند و هم در بحث‌ها و تصمیم‌گیری‌ها با توجه به حضور ذهن بالایی که داشتند بصورت فعال مشارکت می‌کردند.

من هیچ موقع یادم نمی‌رود؛ چندین روز قبل از درگذشت ایشان، با این که حالشان از لحاظ **جسمی** زیاد مساعد نبود، ولی خودشان را سر ساعت به جلسه

می‌رساندند و با جدیت مباحثات را پیگیری می‌کردند. ایشان عالمی بودند که از تمام لحظات زندگیشان بهترین استفاده را می‌کردند. **خداوند** ان شاء الله رحمتشان کند و امیدوارم سبک زندگی این **استادان** کمیاب عصر ما، الگویی برای ما و همچنین آیندگان باشد.

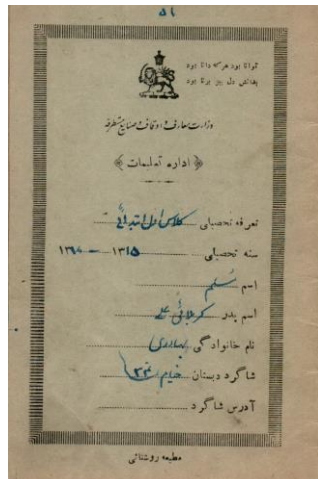
دکتر عزیزی: با تشکر از **جناب** آقای دکتر فروتن، در پایان از جناب آقای دکتر ملک‌زاده تقاضا می‌کنم **لوح تقدیر** را خدمت خانم ندا بهادری و **مهندس صابر اسماعیلی** تقدیم کنند. این لوح تقدیری است که از سوی مجله AIM به خانواده استاد محترم دکتر بهادری، تقدیم می‌شود. از حوصله و صبر شما بسیار سپاسگزاریم. به عنوان حسن ختام و برای یادبود، خواهش می‌کنم تشریف داشته باشید که یک عکس جمعی در خدمت شما بگیریم. **از همگی متشکریم.**

پیوست‌ها

پیوست ۱: عکس‌ها و اسناد مربوط به سخنرانی دکتر عزیزی



برگه آبله کوبی استاد دکتر مسلم بهادری در کودکی، ۱۳۱۵ش



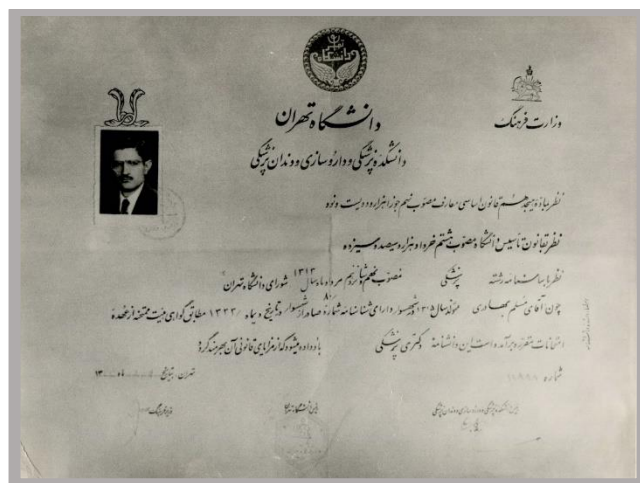
ثبت نام در کلاس اول ابتدایی، سال ۱۳۱۵



عکسی از استاد در سال ۱۳۲۱ ش



با شماری از کارورزان، همراه با استاد دکتر محمد قریب (نشسته نفر سوم از سمت راست)، استاد دکتر بهادری ایستاده، نفر چهارم از راست؛ ۱۳۳۲



پروانه پزشکی استاد دکتر مسلم بهادری، ۱۳۳۶



در آزمایشگاه آسیب‌شناسی مرکزی تهران؛ استاد دکتر آرمین نشسته از راست، نفر سوم و استاد دکتر بهادری نفر نخست، ایستاده از راست؛ ۱۳۴۸



استاد دکتر بهادری، در دفتر مجله آرشیو پزشکی ایران
(Archives of Iranian Medicine)



جشن نودسالگی استاد در دفتر مجله آرشیو پزشکی ایران
(Archives of Iranian Medicine)، ۱۳۹۴



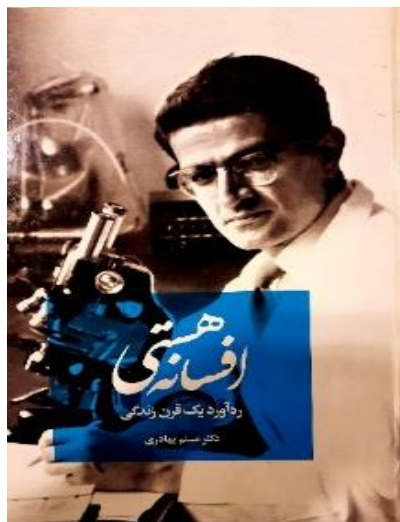
با شماری از استادان در فرهنگستان علوم پزشکی



در کنگره پزشکی کرمان، ۱۳۹۴؛ با تشکر از عکاس دانشگاه علوم پزشکی کرمان



باغ فتح‌آباد کرمان، ۱۳۹۴؛ با تشکر از عکاس دانشگاه علوم پزشکی کرمان



کتاب/افسانه هستی، زندگینامه خودنوشت استاد دکتر بهادری، ۱۳۹۷



استاد دکتر بهادری در موزه تاریخ پزشکی؛ سخنران استاد فقید دکتر پرویز دبیری



روانشاد دکتر ناهید پیشوا (۱۳۱۲-۱۳۷۶)، همسر استاد



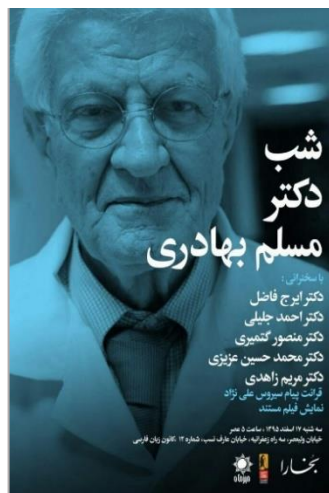
اهدای قلم زرین از سوی دکتر ملک‌زاده به استاد دکتر بهادری



در دفتر مجله AIM



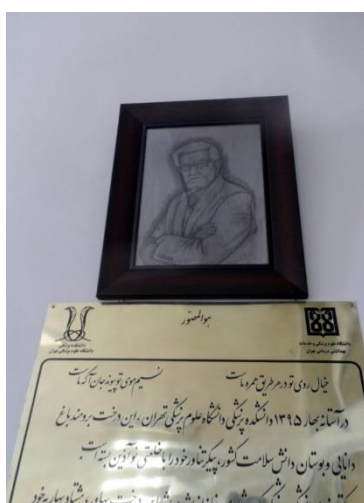
در فرودگاه کرمان با دو تن از استادان



شب دکتر مسلم بهادری از سوی مجله فرهنگی بخارا در موقوفات افشار، کانون
زبان فارسی؛ با تشکر از عکاس مجله بخارا، اسفند ۱۳۹۵



با استاد دکتر یلدا در جشنواره رازی



نام گذاری کتابخانه‌ای در دانشکده پزشکی **دانشگاه علوم پزشکی تهران** به نام استاد
دکتر بهادری



انتشار سری تمبر یادبود با عکس‌هایی از استاد دکتر بهادری از سوی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در جلسه بزرگداشت ایشان



برگزاری آخرین جشن تولد استاد دکتر بهادری در گروه علوم پایه فرهنگستان علوم پزشکی، ۶ بهمن ۱۴۰۰، با سپاس از سرکار خانم مهناز شهبازی



عکسی از استاد دکتر بهادری در ۹۶ سالگی در دفتر کارشان در فرهنگستان علوم پزشکی



استادان فقید عضو هیئت تحریریه مجله AIM: از سمت راست دکتر مسلم بهادری، دکتر اسماعیل یزدی و دکتر کریم وصال



یکی از عکس‌های آخر استاد دکتر مسلم بهادری در دفتر سردبیر مجله AIM



گلباران مزار استاد دکتر بهادری در روز خاکسپاری؛ با تشکر از عکاس دانشگاه
علوم پزشکی تهران، اردیبهشت ۱۴۰۱

پیوست ۲: برخی از مقاله‌های منتشرشده استاد دکتر بهادری و همکارانشان

- برخی از مقاله‌های منتشرشده استاد دکتر بهادری و همکارانشان به زبان انگلیسی، در دو دهه پایانی زندگی ایشان (۱۳۸۵-۱۴۰۱)، به شرح زیر است:
1. Azizi MH, Bahadori M. Professor Abdulkarim Vessal (1933-2022) and His Role in Promotion of Radiology and Medical Journalism in Iran. Arch Iran Med. 2022 Mar 1; 25(3):196-200.
 2. Bahadori M, Azizi MH, Dabiri S, Bahadori M. Effects of Human Nucleolus upon Guest Viral-Life, Focusing in COVID-19 Infection: A Mini- Review. Iran J Pathol. 2022 winter; 17(1):1-7.
 3. Azizi MH, Bahadori M, Naseri M. Professor Fakhreddin Ghavami (1930-2021); a Role Model of Professional Commitment. Arch Iran Med. 2021 Nov 1; 24(11):858-861.
 4. Azizi MH, Bahadori M. In Memory of Dr. Hooshang Zadanfarrokh (1937-2021), a Pioneering Iranian Otolaryngologist. Arch Iran Med. 2021 Oct 1; 24(10):786-787.
 5. Azizi MH, Bahadori M. Dr. Touraj Nayernouri (1943-2021) and his fruitful academic life. Arch Iran Med. 2021; 24(8):653-656.
 6. Danaei G, Farzadfar F, Kelishadi R, Rashidian A, Rouhani OM, Ahmadnia S, Ahmadvand A, Arabi M, Ardalan A, Arhami M, Azizi MH, Bahadori M, et al. Iran in transition. Lancet. 2019 May 11; 393(10184):1984-2005
 7. Bahadori M, Azizi MH, Dabiri S. Recent Advances on Nucleolar Functions in Health and Disease. Arch Iran Med. 2018 Dec 1; 21(12):600-607.

- 8: Bahadori M, Eslami M, Azizi MH. A Brief History of Oral and Maxillofacial Pathology in Iran. Arch Iran Med. 2018 Nov 1; 21(11):551-555.
- 9: Azizi MH, Bahadori M, Azizi F. An Overview of Epidemic Typhus in the World and Iran during the 19th and 20th Centuries. Arch Iran Med. 2016 Oct; 19(10):747-750.
- 10: Azizi MH, Bahadori M. The Five Decades of Academic Services of Professor Hassan Farsam (1932-2016) to Modern Pharmacy in Iran. Arch Iran Med. 2016 Jun; 19(6):453-4.
- 11: Azizi MH, Bahadori M, Dabiri S, Shamsi Meymandi S, Azizi F. A History of Leishmaniasis in Iran from 19th Century Onward. Arch Iran Med. 2016 Feb; 19(2):153-62.
- 12: Azizi MH, Bahadori M. Dr. Nasser Moeinzadeh (1930-2015); a Pioneering Otolaryngologist in Iran. Arch Iran Med. 2015 Oct; 18(10):737.
- 13: Azizi MH, Bahadori M, Dabiri S. Professor Kamaledin Armin (1914-1995); a Superb Mentor with High Morals. Arch Iran Med. 2015 Oct; 18(10):729-33.
- 14: Azizi MH, Bahadori M, Dabiri S. Professor Parviz Haghighi and His Role in Promotion of Academic Pathology at the Shiraz School of Medicine in Iran (1969-1979). Arch Iran Med. 2015 Aug; 18(8):552-5.
- 15: Azizi MH, Nayernouri T, Bahadori M. The History of the Foundation of the Iranian National Blood Transfusion Service in 1974 and the Biography of its Founder; Professor Fereydoun Ala. Arch Iran Med. 2015 Jun; 18(6):393-400.
- 16: Azizi MH, Bahadori M, Dabiri S, Shamsi Meymandi S. Remembering Professor Amir Hossein Mehregan (1931-2000); the great Iranian dermatopathologist. Arch Iran Med. 2015 Feb; 18(2):139-42.
- 17: Azizi MH, Bahadori M. In remembrance of professor Shams Shariat Torbaghan (1926 - 2014). Arch Iran Med. 2014 Jul; 17(7):531-2.
- 18: Azizi MH, Bahadori M, Dabiri S, Shahpasandzadeh MH. In memory of the late Alireza Afzalipour, the founder of the Kerman University. Arch Iran Med. 2014 Jun; 17(6):457-60.

- 19: Azizi MH, Bahadori M, Azizi F. Breakthrough discovery of HbA1c by Professor Samuel Rahbar in 1968. Arch Iran Med. 2013 Dec; 16(12):743-5.
- 20: Azizi MH, Bahadori M, Azizi F. History of cancer in Iran. Arch Iran Med. 2013 Oct; 16(10):613-22.
- 21: Azizi MH, Bahadori M. Brief historical perspectives of malaria in Iran. Arch Iran Med. 2013 Feb; 16(2):131-5.
- 22: Azizi MH, Bahadori M. The life and career of Professor Parviz Dabiri (1921-2012). Arch Iran Med. 2012 Oct; 15(10):657-8.
- 23: Azizi MH, Bahadori M, Raees-Jalali GA. A historical profile of diphtheria in Iran during the 19th and 20th centuries. Arch Iran Med. 2012 Mar; 15(3):181-6.
- 24: Azizi MH, Bahadori M. A history of leprosy in Iran during the 19th and 20th centuries. Arch Iran Med. 2011 Nov; 14(6):425-30.
- 25: Azizi MH, Bahadori M. A brief history of tuberculosis in Iran during the 19th and 20th centuries. Arch Iran Med. 2011 May; 14(3):215-9.
- 26: Azizi MH, Bahadori M, Raees-Jalali GA. In commemoration of Haj Mohammad Nemazee (1895-1972): the founder of Nemazee Hospital in Shiraz. Arch Iran Med. 2009 May; 12(3):321-4.
- 27: Bahadori M, Azizi MH. The first medical journal of Tehran University. Arch Iran Med. 2007 Jul; 10(3):420-3.
- 28: Azizi MH, Bahadori M. In commemoration of Dr. Mostafa Habibi-Golpayegani (1904 - 1948): pioneer of modern pathology in Iran. Arch Iran Med. 2006 Oct; 9(4):438-41.



عکس جمعی در مراسم نکوداشت استاد فقید استاد دکتر مسلم بهادری، فرهنگستان
علوم پزشکی، ۱۶ تیر ۱۴۰۱